

ویژه سیاست فرهنگی

ترجمه فرهاد گشایش

فرانسه

الگوی سیاست‌های فرهنگی فرانسه را اقدامات کلان ادارات دولتی و عمومی تعیین می‌کنند. علاوه بر قوانین و مقرراتی که توسط دولت برای حمایت از سیاست‌ها، کالاها و فعالیت‌های فرهنگی تصویب می‌شود مسئولین محلی و منطقه‌ای نیز اختیارات زیادی برای حمایت از حوزه‌های فرهنگی دارند. این قوانین درباره تمامی جوانب سیاست فرهنگی عمومی نوشته شده و توسط ادارات خدماتی و تخصصی عمومی اجرا می‌شود.

در قانون اساسی فرانسه دسترسی یکسان عموم مردم به فرهنگ پیش‌بینی شده است: دولت موظف است امکان مشارکت بالقوه تمام آحاد مردم را در فعالیت‌های فرهنگی تضمین کند. به‌علاوه در فرانسه به‌طور فراگیر این اعتقاد وجود دارد که فرهنگ یک مؤلفه جدایی‌ناپذیر توسعه عمومی است (در کنار توسعه اجتماعی و اقتصادی). از این‌رو فرهنگ عاملی اساسی در تضمین کیفیت زندگی و خوشنودی هر یک از افراد جامعه محسوب می‌شود.

رفع نابرابری فرهنگی

سیاست‌های مختلفی نیز برای تصحیح نابرابری‌های ناشی از موانع و تفاوت‌های اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی که بهره‌بری از مواهب فرهنگی را ناکام می‌کند تمهید شده است. این سیاست‌ها با هدف گسترش و تکثیر مخاطبین و دستیابی به گسترده‌ترین طیف محتمل فعالیت‌های فرهنگی و هنری در تمامی حوزه‌های فرهنگی تمهید شده است. این سیاست‌ها را به‌عنوان مثال می‌توان در اقداماتی دید که برای بخش‌های خاصی از جمعیت و برخی مناطق

مطالعات کاربردی هنر

خاص جغرافیایی امتیازاتی را در نظر می‌گیرد.

از یک سو اقدامات دولت به تبعیت از قانون، موضوعاتی چون حمایت، نگهداری، مرمت، توسعه، تبلیغ، ترویج و تقویت میراث فرهنگی و هنری کشور، به‌عنوان مایملک عمومی که همهٔ احاد ملت در آن شریکند دربرمی‌گیرد و از سوی دیگر، حفاظت، تبلیغ، تشویق، حمایت در جهت جلوگیری و اصلاح خطرات بالقوه‌ای است که در ذات عملکرد بازار اقتصادی نهفته است، یعنی از بین رفتن آن نوع محصولات فرهنگی که - به دلیل فقدان تحقق‌پذیری کوتاه‌مدت، تمرکز و استاندارد کردن تولید - به‌عنوان کالاهای معمول قابل عرضه در بازار به شمار نمی‌روند.

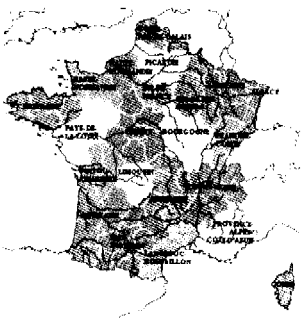
علاوه بر این دولت همان حوزهٔ اختیاراتی را که در زمینهٔ آموزش عمومی کشور برعهده دارد در حوزهٔ آموزش‌های هنری و فرهنگی هم برعهده دارد. البته این جنبهٔ آموزشی و پرورشی قانون فرهنگی دولت در ارتباط نزدیکی با مسئلهٔ دسترسی و مشارکت افراد در حیات فرهنگی کشور است.

هماهنگی نهادهای فرهنگی

وزارت فرهنگ فرانسه مسئول تحقق قانون مصوب دولت در حوزهٔ فرهنگ در قلمرو دولت فرانسه است. دیگر وزارتخانه‌ها در محدوده‌های خاصی از سیاست فرهنگ مشارکت دارند. (مثلاً وزارت امور خارجه و وزارت آموزش و پرورش). ادارات محلی و ایالتی نیز برای تحقق سیاست‌های فرهنگی در برخی زمینه‌های خاص خود (شهری، درون‌شهری، منطقه‌ای) مسئولیت دارند. اقدامات فرهنگی توسط مجریان متفاوت عمومی و غالباً با حوزه اختیارات مشترک اجرا می‌شود، و از این رو این‌گونه اقدامات به صورت مشارکتی و «متحداً» انجام می‌گیرد. وزارت فرهنگ اقدامات خود را به دو شیوه انجام می‌دهد: اقدامات نظارتی (مطابق قوانین که از تصویب مجلس گذشته است) و اقدامات مستقیم و به وسیلهٔ اعتبارات عمومی که مطابق بودجهٔ کل کشور در اختیار وزارتخانه نهاده شده است.

قانون نظارتی

وزارت فرهنگ مسئول تحقق و نظارت بر قوانین و مصوبات مربوط به فرهنگ است. برای مثال مقررات قانونی مربوط به حفظ میراث فرهنگی، وظایف و استانداردهای علمی و فنی آرشیوها و مجموعه‌های هنری، کلکسیون‌های آثار ادبی و هنری، مسائل رفاهی هنرمندان و مالیات‌ها و شهریه‌های بخش‌های خاص فعالیت‌های فرهنگی (سینما، تفریحات نمایشی)، سهمیه‌های اجباری تولید و توزیع (سهمیه‌های مربوط به اطلاع‌رسانی و تبلیغات همگانی). این مقررات ضرورت به مفهوم تقبل اعتبارات توسط دولت نیست. از سوی دیگر آنها می‌توانند نتایج مالی چشمگیری برای ادارات محلی و منطقه‌ای و اقدام‌کنندگان فرهنگی داشته باشند. (شبکه‌های تلویزیونی خصوصی، مالکین کالاهای میراث فرهنگی و غیره). اقدامات نظارتی وزارت فرهنگ همچنین شامل: تمهیداتی برای حمایت از کیفیت، تخصصی‌گرایی و مشارکت فعالیت‌ها از جمله در حوزهٔ برنامه‌های سیاسی - به‌عنوان مثال با اعطای تأییدیه از سوی دولت (منافع عمومی).



اقدامات مستقیم

یکی از مهمترین اقدامات مستقیم وزارت فرهنگ فرانسه مربوط به مدیریت مستقیم مؤسسات فرهنگی همگانی، نگهداری و توسعه میراث‌های فرهنگی، هنری و تاریخی قراردادها و اجراهای هنری، تخصیص و واگذاری اعتبارات به نهادها و مجریان فرهنگی و نیز ادارات محلی و منطقه‌ای برای اقدامات فرهنگی آنها مربوط می‌شود.

مداخله دولت در حوزه‌های فرهنگی تمامی گونه‌ها و شکل‌های متنوع فعالیت‌های هنری و فرهنگی را دربرمی‌گیرد و نه صرفاً «هنرهای زیبا» را. این اقدامات هرگونه رویکرد مداخله‌جویانه تبلیغ هنر و فرهنگ «رسمی» و «سلیقه خوب» را کنار می‌گذارد و از هرگونه اعمال سانسور و نظارت پرهیز می‌کند. هرگونه تصمیم‌گیری در زمینه اعطای اختیارات و مجوز هنری، تخصیص اعتبارات دولتی، حفظ میراث فرهنگی، جذب نیروهای متخصص فرهنگی معمولاً با پیشنهاد نهادهای مشاوره‌ای که شامل متخصصین مستقل معروف و خوشنام در حوزه تخصصی مربوطه هستند انجام می‌شود.

دولت فرانسه (به ویژه وزارت فرهنگ) در حوزه اقدامات فرهنگی هیچ‌گونه انحصاری برای خود قائل نمی‌شود. این امر همچنین در سطح گسترده‌تر در حوزه ادارات محلی و استانی مصداق دارد. در حالی که بخش عمومی نقش عمده‌ای در حمایت فرهنگ در فرانسه ایفا می‌کند، حمایت قابل توجهی نیز از سوی بخش خصوصی وجود دارد. ضمناً بخش زیادی از فعالیت فرهنگی تحت حمایت دولت توسط مجریان خصوصی سازمان‌دهی می‌شوند. (به همان روشی که ساختارهای مرتبط در بخش فرهنگ عمل می‌کنند).

نقش ادارات محلی و استانی

قوانین تمرکززدایی (تفویض اختیارات)

شوراهای شهرها و مراکز بزرگ فرانسه سال‌های زیادی است که به‌طور فعال در مسائل فرهنگی مشارکت دارند. از سده نوزدهم بسیاری از آنها مراکز مختلف فرهنگی همچون کتابخانه‌ها، موزه‌ها، سالن‌های نمایش و هنرستان‌های شهرداری و اعطای یارانه به کانون‌های فرهنگی و آموزشی را بر عهده داشته است. از دهه ۱۹۶۰ شهرداری‌های کوچکتر نیز سیاست‌های فرهنگی - و غالباً بلند پروازانه - خود را مطرح کرده‌اند.

قوانین تمرکززدایی سال ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ این نقش را تأیید و اقدامات آنها را در راستای تحقق تمرکززدایی مقررات امور فرهنگی استانی وزارتخانه (DRAC) حمایت و تشویق کرده است.

حوزه اختیارات و صلاحیت‌ها

شهرداری‌ها، ادارات و مناطق، تصدی‌گری استانی و محلی را کاملاً تجربه کرده‌اند و هر یک دارای اختیار تام در مسائل فرهنگی هستند. بین تمرکززدایی ادارات دولتی و تفویض اختیار، یک حالت جدید از اقدامات عمومی مبتنی بر تشریک مساعی عموم رایج است. در حالی که دولت همچنان نقش تعیین‌کننده در نهاد عمومی فرهنگ دارد، مشارکت ادارات محلی و استانی

(شهرداری‌ها، ادارات محلی و استانی) به‌طور قابل توجهی افزایش یافته و حال ۶۰ درصد کل بودجه را دربرمی‌گیرد.

شهرداری‌ها در تمامی بخش‌های فرهنگی می‌توانند مشارکت داشته باشند: حفظ و عرضه میراث فرهنگی، تولید و توزیع آثار هنرهای نمایشی، تبلیغ و ترویج کتاب و مطالعه و آموزش هنر. از این نظر شمار فزاینده‌ای از شهرداری‌ها حال (از دوره ۷۰-۱۹۶۰) نمایندگانی مختص امور فرهنگی تعیین کرده‌اند و ادارات فرهنگی با قدرت عمل فزاینده را تشکیل داده‌اند. میزان سرمایه‌گذاری شهرداری‌ها در حوزه فرهنگ صرفاً به اهداف سیاسی آنها بستگی دارد، به استثناء موارد مربوط به آرشیوهای عمومی که مطابق مقررات مجبورند دسترسی را برای محققین و عموم حفظ و امکان‌پذیر کنند. نحوه و مراحل مربوط به مشارکت فرهنگی، تحت نظارت ادارات دولتی مربوطه انجام می‌شود.

مشارکت

همکاری بین بخش‌های مختلف فرهنگی در حوزه عمومی و خصوصی بر استناد قراردادهای مختلف پیمانی و با درجات مختلف تخصصی انجام می‌شود: «توافقات توسعه فرهنگی، مناطق و شهرهای تاریخی»، «توافقاتنامه‌های خانه سینما و خانه هنرهای تجسمی»، «قراردادهای آموزشی هنر منطقه‌ای»، به همراه بخش‌های فرهنگی «قراردادهای شهری»، «پروژه‌های تفصیلی شهری»، «پیمان‌های برنامه دولتی - محلی». در عمل ثابت شده که اجرای این تعرفه‌ها با افزایش شمار قراردادهای و تداخل حوزه‌های مربوطه با مشکل مواجه شده است.

حوزه‌های استانی

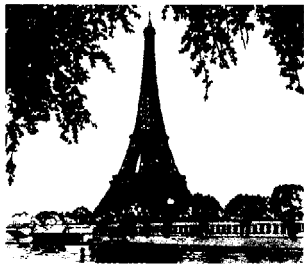
شمار قابل ملاحظه‌ای از شهرهای کوچک و بزرگ در تسهیلات ملی شریک هستند و لذا تلاش دارند تا سیاست‌های فرهنگی مصوب دولت را بهبود بخشند. با این حال، از آنجاکه آنان با واقعیات منطقه بومی و ساکنین آن مانوس‌ترند، ادارات محلی و استانی نیز تلاش دارند با افزایش مطالعه و آموزش هنر، حمایت از رویدادهای فرهنگی و با حفظ و توسعه میراث فرهنگی، پوشش فرهنگی در مناطق خود را افزایش دهند.

آنان همچنین اصلی‌ترین و غالباً تنها نیروی حامی کانون‌های فرهنگی و غیرحرفه‌ای هستند و فعالیت‌های فرهنگی و هنری نوپا و جوان را حمایت می‌کنند.

آینده تمرکززدایی

دو گرایش عمده پیش‌رو که احتمالاً در سال‌های آینده در حمایت عمومی از فرهنگ دستخوش دگرگونی می‌شود، وجود دارد.

نخست ظهور، «همکاری درون‌شهری»، است که متعاقباً حوزه فرهنگ را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. فرانسه بیش از ۳۶/۵۰۰ شهرداری را دربرمی‌گیرد، که از آن میان ۳۵/۷۰۰ حوزه شهرداری با ساکنین کمتر از ۱۰/۰۰۰ نفر هستند (از جمله ۲۷/۸۰۰ شهرداری با کمتر از ۱۰۰۰ جمعیت). اگرچه این مناطق ابعاد متفاوتی دارند (با منابع قابل دسترسی متفاوت) اما دارای اقتدار



و صلاحیت یکسان هستند. شهرداری‌ها به منظور آنکه تسهیلات کافی برای اجرای اقدامات خاص منطبق با ابعاد بومی فراهم سازند، این اختیار را دارند که انجام برخی از وظایف را به ساختارهای «همکاری درون‌شهری» تفویض کنند

دوم امکان افزایش تفویض اختیارات به‌ویژه در حوزه‌های مربوط به میراث فرهنگی و آموزش‌های هنری است (اقدامات تجربی در حال حاضر تحت بررسی است).

اهداف سیاست فرهنگی فرانسه

از نظر دولت فرانسه تکثر فرهنگی باید در پیوند با جهانی‌شدن ملاحظه شود. ارج نهادن به تکثر فرهنگی اساساً یک موضوع هویت فرهنگی است. «کالاها و خدمات فرهنگی نقشی حیاتی در حفاظت از هویت ملی و وحدت اجتماعی دارند. آنها به‌عنوان محملی برای ارزش‌ها، ایده‌ها و مفاهیم عمل می‌کنند. آنها برخلاف سایر محصولات، کالاها قابل تجارت نیستند.» (کاترین تروتمان، وزیر فرهنگ در خطاب به یونسکو، سال ۱۹۹۹).

برای تصدیق اهمیت تکثر فرهنگی باید به نیازهای اساسی برای تبلیغ صنایع فرهنگی پاسخ داده شود. به‌علاوه، ارج نهادن به تکثر فرهنگی اهمیتی همسان با ضروریات بنیادین سیاسی دارد، زیرا تکثر فرهنگی و پذیرش فرهنگی به‌شدت به هم مرتبط هستند. «پذیرش فرهنگی یک ایده مشخصاً فرانسوی نیست، بلکه مترادف با اراده دفاع از تمامی فرهنگ‌هاست. از این چشم‌انداز، پذیرش فرهنگی بنیان اصلی تکثر فرهنگی محسوب می‌شود.» (ژان ژاک ایلون، وزیر فرهنگ، ماه مه ۲۰۰۲).

احترام به آزادی بیان، اجتماعات و نقطه‌نظرات (مطابق با کنوانسیون حقوق بشر اروپایی) در بسیاری از قوانین مهم فرانسه که هنوز هم جاری است، تصریح شده است. قانون مربوط به آزادی مطبوعات (۲۹ جولای ۱۸۸۱). قانون آزادی اجتماعات که نیاز به دریافت مجوز از پیش را منتهی کرد (۱۸۸۱) و قانونی که پیمان‌نامه جمعیت‌ها را دربرمی‌گیرد (اول جولای ۱۹۰۱). امروزه کشمکش بر سر آزادی بیان در فرانسه اساساً از مطبوعات و سینما (علی‌رغم درخواست ممنوعیت فیلم Amen کاستا گاوراس و تأثیر احتمالی فیلم «جیغ» بر نوجوانان آسیب‌پذیر در سال ۲۰۰۲) به اینترنت تغییر یافته است. درخواست برای وضع مقررات و قوانین نظارت بر محتوای صفحات اینترنتی به‌شدت روبه افزایش است. (مانند سایت‌های خرابکارانه که در صدر توجیه عملیات تروریستی هستند و سایت‌هایی با گرایشات نئونازی، تجدیدنظرطلبانه و نژادپرستانه و سایت‌های متعلق به دسته‌ها و فرقه‌های مذهبی، منحرفین اخلاقی و غیره).

چگونه آزادی بیان می‌تواند احترام به دیگر آزادی‌های اساسی را (مانند حمایت از اقلیت‌ها) تأمین کند؟

مشارکت فزاینده در فعالیت‌های فرهنگی و گسترش دسترسی به فرهنگ برای عموم، یکی از اهداف اصلی سیاست‌های فرهنگی کشور فرانسه است. فرمان لایحه وزیر فرهنگ (۲۰۰۲) در همان ابتدا اعلام می‌دارد که «وزارتخانه موظف است عمده آثار انسانی را به ویژه آثار فرانسویان را برای حداکثر شمار مردم قابل دسترسی سازد». همین جمله در لایحه سال ۱۹۵۹ برای انتصاب آندره مارلو به وزارت امور فرهنگی نیز وجود داشت.



پیامد حرکت به سمت دمکراتیک کردن فرهنگ، هم بسیار غامض و هم ناامیدکننده بوده است. تحقیقات و بررسی‌هایی در باب فعالیت‌های فرهنگی فرانسه نشان می‌دهد که برای مثال ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی مخاطبین تئاتر و موزه به شدت ثابت است. با این حال مشخص شده است که فعالیت‌های جدید فرهنگی در آمار استفاده‌کنندگان از تسهیلات فرهنگی لحاظ نشده است. به علاوه با وجود تنوع در شیوه‌های دستیابی به هنر و فرهنگ به دلیل محصولات صنایع صوتی تصویری، این تکتک با افزایش نمایش‌های خیابانی، جشنواره‌ها، شعرها و دیگر رویدادهای تفریحی خیابانی و رشد کلی فعالیت‌های هنری غیرحرفه‌ای ارتباط دارد

موضوعات جاری در سیاست فرهنگی

اولویت‌های سیاست فرهنگی در پنج سال اخیر:

طی پنج سال اخیر ویژگی سیاست فرهنگی در فرانسه عبارت بوده است از:

- حمایت از تکثر فرهنگی
- تفویض اختیارات و تمرکززدایی
- اقدامات معطوف به توسعه آموزش هنر و به ویژه برنامه پنج‌ساله «هنر و فرهنگ در

مدارس».

ژان ژاک آیلون، که از سال ۲۰۰۲ وزیر فرهنگ فرانسه است، تصمیم خود را برای تداوم این سیاست‌ها و گسترش تفویض اختیار اعلام داشته است. نقش دولت و ادارات محلی و استانی به طور دقیق و شفاف از هم جدا می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد. «در سطح استانی دولت توجه خود را بر اقدامات و تسهیلات رسمی، تسهیلات عمده توزیع، برنامه‌ها (به ویژه آنهایی که به جذب مخاطبین جدید معطوف هستند) و مرتفع کردن نواقص و نارسایی‌ها در توسعه فرهنگی محلی متمرکز کرده است».

یکی از عمده اقدامات جدید افزایش استقلال و مسئولیت نهادهای عمومی تحت نظارت وزارت فرهنگ است. در متن قراردادهای دولت که اهداف و ابزارها را مشخص می‌سازد به نهادهای عمومی اختیارات مدیریتی بیشتری داده خواهد شد. نهادهای عمومی و ملی سیاست‌های پویاتری برای جذب مخاطب، با توجه ویژه به جوانان و معلولین اعمال خواهند کرد. (ساعات شروع کار، فضاها برای بیشتر برای بازدیدکنندگان).

صنایع فرهنگی: برنامه‌های توسعه و مشارکت

در فرانسه حوزه صنایع فرهنگی عموماً صنایعی را شامل می‌شود که در حوزه کالاهای فرهنگی قابل بازتولید و یا جذب مخاطب اشتغال دارند. این حوزه تمامی زنجیره تولید، توزیع و بازاریابی محصولات فرهنگی را دربرمی‌گیرد، محصولات چاپی، مطبوعات، نوارکاست، VCR، سینما، محصولات چندرسانه‌ای، بازی‌ها و تولیدات جنبی را دربرمی‌گیرد. این حوزه محدودتر از حوزه صنایع «محتوی» است و شامل پایگاه داده‌ها، طراحی، مد و تبلیغات یا ساخت مواد و محصولات محتوی یک ماهیت واحد (اثر هنری) نمی‌شود.

صنایع فرهنگی تحولات عمده‌ای را در طول بیست و پنج سال گذشته تجربه کرده است.

طیف محصولات به طور پیوسته گسترش یافته است (کتاب، کاست، فیلم، سپس ویدئو، سی دی، CD-ROM و غیره) تولید و توزیع این محصولات بسیار متمرکز و بین‌المللی شده است و سیاست‌های تجاری بسیار پیچیده‌تر شده است.

دولت فرانسه در مواجهه با بازارهای به شدت رقابتی در تلاش است تا تولید طیف وسیعی از محصولات فرهنگی را تضمین کند و آنها را تا حد اکثر وسعت ممکن با استفاده از ابزارهای حمایتی و قانونی توزیع کند:

● معافیت‌های مالیاتی (کاهش VAT بر روی مطبوعات، کتاب، سینما، محصولات سمعی و بصری)

● تثبیت یک قیمت ثابت برای کتاب

● تعرفه‌های قانونی همچون سهمیه تبلیغات رسانه‌ای برای محصولات به زبان فرانسه. اعتبارات خاص پیش‌بینی شده به وسیله وصول مالیات و قیمت تمام‌شده (بنیاد ملی کتاب، صندوق حمایت از صنایع فیلم و تلویزیون) تعرفه‌های مالی حمایتی (یا انتخابی یا خودکار مانند حمایت از نمایشگاه فیلم).

طی پانزده سال اخیر، صنایع صوتی و تصویری (رادیو و تلویزیون) شاهد افزایش شمار ایستگاه‌های تلویزیونی بوده‌اند (شبکه‌های خصوصی با مخاطبین عام و خاص، شبکه‌های زمینی، کابلی و ماهواره‌ای).

هم‌اکنون دولت فرانسه در سه سطح مشارکت دارد:

● نظارت بر بخش عمومی از طریق اختصاص امواج توسط نهاد نظارتی دولت فرانسه (CSA).

● تأمین مالی تلویزیون ملی (از طریق هزینه‌های انحصاری) و شیوه‌های امتیازدهی

● تعرفه‌های قانونی سهمیه‌های مربوط به میزان پخش موسیقی در برنامه‌های رادیویی و برنامه‌ریزی فیلم و تلویزیون.

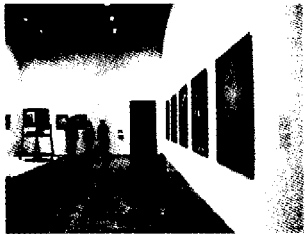
سیاست‌های اشتغال‌زایی در بخش فرهنگ

در سال ۲۰۰۱، حدود ۴۶۴۰۰۰ نفر در بخش فرهنگ اشتغال داشته‌اند. (یعنی مشاغل خلاق، اجرایی یا فنی در سازمان‌هایی که فعالیت اصلی آنها مستقیماً با فرهنگ مربوط بوده است). بخش صنایع فرهنگی (کتاب، مطبوعات، کالاهای صوتی و تصویری) درصد زیادی از این رقم را به خود اختصاص داده است (۲۴۶۰۰۰ نفر). تفریحات زنده (از جمله برنامه‌های نمایشی، اجراهای زنده، خدمات مشابه و غیره) حدوداً ۲۵٪ اشتغال کل نیروی کار این بخش را در برمی‌گیرد.

ویژگی بارز اشتغال در بخش فرهنگ این است که درصد کارگران بدون حقوق سالانه (۱۰۱۰۰۰ نفر - ۲۲٪ نیروی کار) دو برابر میزان کارگران بدون حقوق در کل جمعیت شاغل است (۱۱٪ شاغلین در تمامی بخش‌های مرتبط). بخش‌های تفریحات، معماری، انتشارات و فروش کتاب به‌ویژه شمار زیادی از کارگران آزاد را در خدمت دارند.

طی چند سال اخیر، افزایش چشمگیری در اشتغال ادواری پدید آمده است - نوعی شرایط

اشتغال خاص بخش فرهنگ که برای بهره‌گیری از نیروی کار هنرمندان، تکسین‌های حوزه تئاتر، سینما، تلویزیون و سرگرمی‌های زنده به کار می‌رود. این نوع اشتغال که بر مبنای قرارداد استوار است، به استخدام‌کنندگان امکان می‌دهد تا هنرمندان و متخصصین فنی را برای یک دوره کوتاه مدت به خدمت گیرند و در عین حال همین هنرمندان و متخصصین برای طیف گسترده‌ای از کارفرمایان مختلف به کار بپردازند و در صورتی که کمتر از یک مدت زمان خاص در هر سال (۵۰۷ ساعت در سال) مشغول به کار باشند از مزایای بیکاری بهره می‌برند. فراگیر شدن این نوع اشتغال در رشد اشتغال‌زایی در بخش سرگرمی‌ها نقش داشته است. ما این رشد با افزایش نامنی شغلی همراه بوده است (سقوط معدل شمار ساعات کاری برای هر فرد و حق الزحمه مربوطه). برخی از سیاست‌های کلی دولت تأثیر اساسی بر اشتغال فرهنگی داشته است. یکی از نمونه‌ها برنامه ملی اشتغال جوانان است، که در سال ۱۹۹۷ مطرح شد تا فعالیت‌های جدید و توسعه‌نیافته را با حمایت‌های مالی دولت در یک دوره پنج ساله حمایت کند. این برنامه اشتغال سالیانه‌ای برای بیش از ۲۰/۰۰۰ تن از جوانان در بخش فعالیت‌های فرهنگی فراهم ساخته است.



آموزش‌های هنری: برنامه‌ها و الگوها

آموزش هنر عرصه‌ای است که تمامی بخش‌های سیاست فرهنگی در آن نقش دارد. این حوزه شامل آموزش هنر در مدارس است که اساساً مسئولیت آن بر دوش دولت است و آموزش هنر در اوقات فراغت که بخشی یا تمامی آن بر عهده ادارات محلی و استانی است و بخش عمده آن بر دوش شهرداری‌ها می‌افتد. نکته حائز اهمیت به مشارکت بین وزارتخانه‌ها و ادارات محلی و استانی مربوط می‌شود.

تمامی کودکان فرانسوی آموزش‌های اساسی در زمینه هنر را در دوره‌های آموزش عمومی و رسمی وزارت آموزش می‌بینند. وزارت آموزش شرح درس و برنامه‌های درسی را برای کلیه آحاد مردم و مؤسسات آموزشی خصوصی تعیین می‌کند. آموزش هنر در برنامه‌های درسی اجباری دوره‌های ابتدایی (۶ تا ۱۱ سال) و دوره راهنمایی (۱۱ تا ۱۵ سال) وجود دارد. دروس انتخابی هنر در دوره‌های دبیرستان (از ۱۵ تا ۱۸ سال) ارائه می‌شود. اهمیت تدریس هنر در آموزش عمومی با قانون ۶ ژانویه ۱۹۸۸ تأیید و تصویب شد.

در سال ۲۰۰۰ «برنامه پنج ساله آموزش هنر و فرهنگ در مدارس» که به‌طور مشترک از سوی وزارت آموزش و وزارت فرهنگ ارائه شد، اهمیت آموزش‌های هنری و فرهنگی را در سیاست‌های آموزشی تثبیت کرد. طی چندین سال که هنر و فرهنگ در مقابل جایگاه ممتاز آنچه که آموزش‌های «اساسی» تر محسوب می‌شود قربانی شد حال از موقعیتی کانونی در نظام آموزشی بهره‌مند شده است. مدارس حال به‌عنوان مکانی‌هایی ایده‌آل ملاحظه می‌شوند که می‌توان هنر را در اختیار همگان نهاد و دسترسی به هنر و فرهنگ را برای عموم امکان‌پذیر کرد. از سال ۱۹۸۳ وزارت فرهنگ با همکاری وزارت آموزش در تلاش‌اند تا حوزه آموزش‌های هنری را گسترش دهند تا تمامی رشته‌ها را دربرگیرد و همکاری بین نهادهای آموزشی و ساختارهای فرهنگی را افزایش دهند. بدین ترتیب تخصص‌های فرهنگی را بیشتر با پروژه‌های اجرایی مختلف درگیر کنند.

برنامه پنج‌ساله «هنر و فرهنگ در مدارس» که با مشارکت وزارت آموزش و وزارت فرهنگ در دسامبر سال ۲۰۰۰ مطرح شد، ساختارهای فرهنگی و هنری (بیش از ۶۰۰۰ مؤسسه فرهنگی: موزه، نمایشخانه، سینما...) را به ابزارهایی مجهز کرد تا امکان اجرای اقدامات لازم برای همکاری با بخش‌های مرتبط با حوزه آموزش را داشته باشند. چارچوب کلی برنامه در قالب اهدافی چون حمایت از اقدامات آموزشی ابتکاری و نیز تربیت عوامل، میانجی و معلمین هنر و فرهنگ تعریف شد.

به‌علاوه، مدیریت‌های مرکزی وزارت فرهنگ برنامه‌های مناسب با حوزه خود را اجرا می‌کنند (مانند برگزاری کلاس‌های میراث فرهنگی و بازدید مدارس راهنمایی از سینما) شوراهای اجرایی محلی در زمینه اقدامات اجرایی مدیریت‌های مختلف وزارتخانه در حوزه آموزشی، اجرای تعرفه‌های همگانی (کارگاه‌های فعالیت‌های هنری، کلاس‌های فرهنگی) و برقراری ارتباط پیوسته با وزارت آموزش مشارکت دارند.

این برنامه‌ها، هنر و فرهنگ را در هر دو سطح محلی و اداری دربرمی‌گیرد و عهده‌دار تعیین اهداف راهبردی، به خدمت گرفتن مجریان ساز و کارهای موجود و منابع دسترس، سازمان‌دهی همکاری بین هیأت‌های تخصصی وزارت آموزش، و هماهنگی با مدیریت‌های امور فرهنگی محلی (ادارات وزارتخانه فرهنگ) و ادارات محلی و استانی است.

هر دو وزارتخانه فرهنگ و آموزش به‌طور روزافزون با ادارات محلی و استانی همکاری دارند و گه‌گاه موافقتنامه‌هایی در زمینه آموزش هنر با آنها تنظیم می‌کنند. حال ادارات محلی و استانی در برنامه‌های اجرایی آموزش‌های فرهنگی در مدارس به‌روش‌های مختلفی چون برنامه‌ریزی و تجهیز ساختمان مدارس تحت‌نظر آنها و تخصیص اعتبار برای اقدامات فرهنگی (مثلاً برنامه‌های ارج نهادن به موسیقی در مدارس) مشارکت دارند.

آموزش‌های هنری یکی از مهمترین بخش‌های توانمندی‌های شهری است. در سال ۱۹۹۶ آموزش‌های هنری ۱۷٪ از بودجه فرهنگی شهرداری‌ها را با جمعیت بیش از ۱۰/۰۰۰ نفر به خود اختصاص داد، و از نظر بزرگی دومین میزان بودجه در هزینه‌های فرهنگی بود. در همان سال شهرداری‌ها به‌طور متوسط سرانه‌ای معادل ۲۳ یورو برای آموزش هنر برای هر نفر صرف کردند. بخش عمده مخارج مصروف به آموزش موسیقی شد، حوزه‌ای که طی چند دهه اخیر مدام رشد داشته است. سایر حوزه‌های آموزش هنر (همچون آموزش هنرهای تجسمی، رسانه‌های صوتی و تصویری و غیره) نسبت به موسیقی رشد کمتری داشته‌اند.

حدوداً ۳۰۰۰ هنرستان موسیقی و مدارس مشابه با حمایت‌های مالی ادارات محلی و استانی امکانات آموزش‌های موسیقی و نیز به‌طور فزاینده تسهیلات آموزش حرکات موزون و هنرهای نمایشی را مهیا ساخته‌اند. این مدارس عموماً با سرمایه شهرداری‌ها فعالیت می‌کنند - ۱۴۲ مدرسه (مدارس حفظ میراث ملی در استان‌ها و مدارس ملی موسیقی) بودجه‌های تکمیلی از دولت می‌گیرند (برابر با ۱۰٪ متوسط بودجه خود).

حمایت از آفرینش‌های هنری

حمایت مستقیم و غیرمستقیم از هنرمندان

دولت فرانسه به سه شکل عمده از بخش‌های منفرد همچون موسیقی، هنرهای تجسمی، کتاب، سینما و غیره حمایت می‌کند:

۱- بستن قرارداد با دولت مرکزی و به‌طور روزافزون با ادارات محلی و استانی

۲- تعرفه‌های خاص هر بخش به‌منظور حمایت از آفرینش‌های هنری

۳- تعرفه‌های معطوف به بهبود شرایط زندگی هنرمندان و نوآوران

قراردادهای عمومی

قراردادهای دولتی برای موسیقی، هنرهای نمایشی و هنرهای تجسمی تنظیم می‌شود. کمیسیون «۱ برای هنر» که در سال ۱۹۵۱ تصویب شد، قانون خاصی است که برای حمایت از هنرمندان تجسمی تصویب شد و براساس آن ۱٪ از کل بودجه‌ای که برای ساختمان‌سازی، نوسازی یا توسعه یک ساختمان عمومی هزینه می‌شود باید برای یک اثر هنری معاصر به‌ویژه اثری که برای همان ساختمان در نظر گرفته شده است اختصاص داده شود. این آیین‌نامه هم اکنون برای ادارات محلی و دولتی اجرا می‌شود.

بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۰، بیش از ۱۲۰۰ اثر هنری تجسمی قرارداد بسته شد (البته علاوه بر آثاری که تحت قانون «۱ هنری» حمایت شدند). در سال ۲۰۰۱، ۶۵ قرارداد برای آثار هنری تخصیص داده شد.

در سال ۱۹۷۶ اعتبار مالی هنرهای ملی معاصر (FNAC) به‌منظور فراهم ساختن کمک‌های مالی برای خرید، توزیع و حفاظت از آثار هنری در حوزه‌های تجسمی، عکاسی، ویدئو و طراحی فراهم شد. سیاست‌های خرید آثار هنری با سه هدف اصلی راهبری می‌شود:

- کشف استعداد‌های نو و هنرمندان جوان
- ابتیاع آثار برجسته هنرمندانی که به پختگی رسیده‌اند.
- معرفی جنبش‌های بین‌المللی هنری

در سال ۱۹۸۲ اعتبار مالی هنرهای بومی معاصر (FRAC) که در چارچوب سیاست‌های تمرکززدایی و تفویض اختیارات استانی تأسیس شد، حال در ۳۲ منطقه فعال است. این مؤسسات به‌منظور خرید آثار هنری معاصر، فعالیت منظم انتشاراتی اقدامات آموزشی را تضمین و حمایت می‌کند و نقش ادارات محلی و استانی را در حوزه هنر معاصر تأیید می‌کند. این مؤسسات از هنگام ظهور تاکنون، مجموعه‌ای غنی بالغ بر ۱۵۰۰ اثر هنری از ۳۰۰۰ هنرمند را شکل داده‌اند.

تعرفه‌های بخش ویژه در حمایت از آفرینش‌های هنری

سرمایه‌گذاری متفاوت بخش ویژه برای حمایت از آفرینش‌های هنری و هنرمندان یا از طریق اعتبارات بودجه وزارت فرهنگ تأمین می‌شود، یا از طریق اختصاص مالیات‌هایی که از طریق بنیادهای عمومی مجدداً توزیع می‌شود. برای مثال حمایت دولت مرکزی در بخش صنعت سینما و برنامه‌های سمعی و بصری توسط مرکز ملی فیلم انجام می‌شود. این اعتبارات برای بخش‌های زیر امکان‌پذیر است:

- تئاتر، سرگرمی‌ها و اجراهای زنده، موسیقی و حرکات (شامل کمک به شرکت‌های خصوصی اجرای نمایش، هنرهای سیرکی، گروه‌های اصلی موسیقی جاز و غیره)
- هنرهای تجسمی: کمک به هنرمندان نقاش، طراحان گرافیک، طراحان و صنعتگران دستی برای تکمیل پروژه‌های خاص، برای بهره‌گیری از بازدیدهای تحقیقاتی و برای استفاده از ایستگاه‌های مخصوص هنرمندان.
- آفرینش‌های ادبی: مرکز ملی کتاب، یکی از نهادهای عمومی است که تحت نظارت «هیأت مدیره کتاب و خوانندگان»، در سال ۲۰۰۱ مبلغی بالغ بر ۲/۲۷ میلیون یورو به مؤلفین و ناشرین اختصاص داد.

● سینما و سمعی بصری

مراکز هنرهای معاصر (مؤسساتی که عموماً جنبه اجتماعی دارند) فعالیت‌های تحقیقی و آزمایشی خود را با اتکا به سیاست‌های مربوط به نمایشگاه، انتشارات، تحقیقات هنری، آموزشی، سفارش و تولید آثار هنری و تسهیلات پذیرش هنرمند را بسط و توسعه داده‌اند. در حال حاضر ۳۲ مرکز هنری در سرتاسر مناطق فرانسه پراکنده‌اند که از آن میان چهار مرکز در زمینه عکاسی تخصص دارند. قانون عمومی مراکز هنرهای معاصر خواستار انعقاد یک موافقتنامه بین دولت مرکزی، مسئولان محلی و (در صورت لزوم) دیگر ادارات استانی و محلی و انجمن‌ها شده است. دو واحد از این مراکز در پاریس قرار دارند. (مرکز ملی عکاسی و گالری ملی Jende paume).

«مرکز آفرینش‌های معاصر» که اساساً به هنرمندان جوان اختصاص دارد و در تلاش برای معرفی و عرضه آثار هنری در فرانسه است، در ژانویه سال ۲۰۰۲ در Palais de Tokyo مساحتی بالغ بر ۲۰/۰۰۰ مترمربع (که ۵۰۰۰ مترمربع آن برای عموم باز است) تأسیس شد. این فضاهاى جدید علاوه بر اینکه کار نشر و عرضه آثار را برعهده دارند، تلاش شده تا به نوبت در اختیار فعالیت‌های هنری معاصر دنیا قرار گیرد، مانند برپایی گردهم‌آیی‌ها، گالری‌ها، مراکز آموزشی، مراکز هنری. مرکز بعدها با شبکه منطقه‌ای مراکز هنری موافقتنامه‌هایی را براساس گسترش توزیع و نشر آثار هنری هنرمندان جوان سرتاسر فرانسه منعقد خواهد کرد.

حمایت از انجمن‌ها و اتحادیه‌های هنرمندان حرفه‌ای

انجمن‌های تخصصی و اتحادیه‌های هنرمندان نقش مهمی در بیان علائق مادی و معنوی اعضای خود و شرکت در مذاکرات مربوط به توافقنامه‌های تخصصی مربوطه ایفا می‌کنند. آنها معمولاً به‌عنوان نماینده در کمیته‌های تخصصی و کارشناسی، که مسئول اعطای کمک‌های حمایتی به فعالیت‌های هنری هستند، شرکت می‌کنند. این کمیته‌ها غالباً توسط هیأت‌های مدیره و ادارات تخصصی مربوطه تشکیل می‌شوند.

انجمن‌های مدیریت حقوق تألیف باید از اجرت حاصل از بهره‌گیری خصوصی و درآمد حاصل از آثاری که افراد ذینفع آنها قابل تشخیص نیستند یا به فعالیت‌هایی اختصاص دارد که از آثار هنری حمایت می‌کند، ۲۵٪ را به اشاعه نمایش‌های زنده و به برنامه‌های تربیت هنرمند اختصاص دهند.

حمایت مالی و سایر برنامه‌های حمایتی از هنرمندان

یک برنامه ویژه بیمه بیکاری برای هنرمندان، مصنفین و هنرمندان نمایشی و استادکارانی که به‌عنوان کارگران صنایع تفریحی بدون شغل ثابت دسته‌بندی می‌شوند، از سال ۱۹۶۵ به وجود آمده است. این برنامه که حداقل استانداردهای زندگی را برای افراد مشخص تضمین می‌کند و لذا موجب تداوم حیات تولید هنری می‌شود، هم‌اکنون به‌عنوان ظهور پیامدهای حاصل از نقاط ضعف ساختاری آن مورد انتقاد قرار گرفته است.

یک برنامه بیمه اجتماعی ویژه برای مؤلفین (نویسندگان، مصنفین و مؤلفین آثار هنری، مؤلفین آثار سینمایی یا تلویزیونی، مؤلفین برنامه‌های نرم‌افزاری، طراحان حرکات موزون، عکاسان و غیره) و «هنرمندان - مؤلفین» در حوزه هنرهای ترسیمی و تجسمی (هنرمندان تجسمی، طراحان گرافیک، سرامیک‌کاران و غیره) که گرچه جزو کارگران خوداشتغال محسوب می‌شوند، اما برای آنان نیز در شرایطی مشابه به کارگران با حقوق سالانه، بیمه اجتماعی فراهم می‌شود (از سال ۱۹۷۷).

وزارت فرهنگ و هیأت‌مدیره‌های محلی آن به تبعیت از درخواست یک کمیته تخصصی، شهرداری‌های خاص (مثلاً پاریس) تعدادی خانه مسکونی برای هنرمندان فراهم می‌کند.

آمار و نحوه مشارکت

گروه مطالعات و گرایش‌های آینده وزارت فرهنگ به‌طور پیوسته و منظم چندین تحقیق پیمایشی درخصوص میزان مشارکت مردم فرانسه در امور فرهنگی را انجام می‌دهد. آخرین نمونه از این مطالعات (۱۹۹۸) تغییرات بنیادینی در قیاس با مطالعات پیمایشی سال ۱۹۸۹ در زمینه مشارکت فرهنگی نشان می‌دهد این تغییرات با تحولات جدید زیر توجیه می‌شود:

تجهیزات صوتی و تصویری

آنها حال به بخشی از زندگی روزمره بدل شده است: شمار رو به افزایش تجهیزات صوتی و تصویری خانگی فرانسویان گواه این مدعا است. در نتیجه رشد دسترسی به دستگاه‌های رادیو و تلویزیون VCRها (که در ۷۵٪ از خانه‌ها وجود دارد، در قیاس با ۲۵٪ در سال ۱۹۸۸ بسیار تغییر یافته است) و تجهیزات شنیدن موسیقی، حال فرانسویان زمان بیشتری را برای دیدن تلویزیون و شنیدن رادیو و موسیقی در قیاس با کار صرف می‌کنند (به‌طور متوسط ۴۳ ساعت در هفته).

دسترسی به کامپیوتر شخصی

امروزه کامپیوترهای شخصی به طیف کلاً گسترده تجهیزات صوتی و تصویری خانگی افزوده شده است: بیش از ۲۰٪ از خانواده‌ها یک دستگاه کامپیوتر شخصی دارند و ۱۰٪ یک درایو CD-ROM دارند. در حالی که در حوزه اوقات فراغت از کامپیوتر اساساً یا برای حروفچینی استفاده می‌شود یا بازی، یک‌دهم مالکین کامپیوتر مجهز به نرم‌افزار یا CDهای مصارف فرهنگی و آموزشی هستند.

کاربرد فرهنگی رسانه

طیف گسترده تجهیزات در خانه‌ها و تنوع برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی منجر به افزایش استفاده از آثار فرهنگی در رسانه‌ها شده است. در بخش تلویزیون دو شبکه فرهنگی فرانسه با نام‌های La Cinquieme و Arte مخاطبین فراوانی یافته‌اند و با این وجود ۵۰٪ جمعیت هرگز برنامه‌های خود را نگاه نمی‌کنند و نرخ مخاطبین برنامه‌های منفرد بسیار پایین مانده است. ۲۳٪ جمعیت حداقل یک بار در هفته برنامه La Cinquieme و ۲۰٪ برنامه Arte را تماشا می‌کنند.

گرایش به سمت موسیقی رایج مردمی

یک دگرگونی عمیق رخ داده است. به دلیل این واقعیت ساده که نسل‌های جدیدی زاده شده‌اند مخاطبین موسیقی‌هایی چون راک، تکنو، رپ و موسیقی جهانی پیوسته در حال افزایش است. این پدیده، که معمولاً به‌عنوان یک مشخصه خاص «فرهنگ جوان» ملاحظه می‌شود، به روشنی گویای یک تحول بنیادین و جاری است. تحولی که انتظار می‌رفت با درگذشت نسل پیش از جنگ - که تحت تأثیر غریب موسیقی قرار نگرفت - در سرتاسر فرانسه به‌طور فراگیر گسترش یابد.

مطبوعات و کتاب

آمارهای خوانندگان پیوسته رو به کاهش است. شمار خوانندگان مطبوعات روزانه از دهه ۱۹۸۰ به این سو با نرخ مشابهی پیوسته کاهش یافته است. در حالی که این امر مؤید یک مشکل غیرقابل بحث در مورد آمار خوانندگان جدید است، اما مجلات و نشریات ادواری همچنان فروش خوبی دارند (به ویژه در بین جوانان).

دسترسی بیشتر به کتاب و بهبود و پیشرفت وضعیت آموزشی نه مانع از کاهشی شده که از دهه ۱۹۷۰ در شمار خوانندگان همیشگی پدید آمده است و نه تعداد کسانی را که هرگز کتاب نمی‌خوانند کاهش داده است. بیش از ۲۵٪ از جمعیت فرانسویان اظهار داشته‌اند که طی ۱۲ ماه گذشته هیچ کتابی نخوانده‌اند.

کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی مرجع

افزایش شمار استفاده‌کنندگان کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی مرجع در قیاس با دیگر تسهیلات فرهنگی شاهد رشد چشمگیری در آمار مخاطبین بوده‌اند. نسبت افراد عضو و غیرعضو تمامی کتابخانه‌ها افزایش یافته است (این رقم برای اعضا از ۱۷٪ به ۲۱٪ رشد داشته است)، حاصل آنکه تقریباً یک سوم (۳۱٪) از جمعیت فرانسویان اظهار داشته‌اند که طی ۱۲ ماه اخیر حداقل یکبار به کتابخانه مراجعه کرده‌اند.

تسهیلات فرهنگی

در این زمینه آمار مخاطبین افزایش اندکی را نشان می‌دهد. تعداد فرانسویانی که اساساً تسهیلات فرهنگی را نادیده می‌گیرند پیوسته در حال کاهش است. نسبت افرادی که هرگز به

سینما، تئاتر یا موزه نرفته‌اند یا هرگز یک اجرای زنده حرکات موزون را ندیده‌اند کاهش می‌یابد. آمار مخاطبین برای ۱۲ ماه اخیر نیز افزایش اندک، ولی مهمی را نشان می‌دهد. به‌ویژه در مورد تئاتر (۱۶٪ از مخاطبین یک اجرای حرفه‌ای را دیده‌اند، در قیاس با ۱۴٪ در سال ۱۹۸۹)، اجرای حرکات موزون ۸٪ در برابر ۶٪، موزه (۳۳٪ در مقابل ۳۰٪)، بناهای تاریخی (۳۰٪ در مقابل ۲۸٪) و به‌ویژه، سیرک (۱۳٪ در مقابل ۹٪). با این حال این افزایش اساساً به مخاطبین تفریحی، مربوط می‌شود: مخاطبین منظم تسهیلات فرهنگی.

فعالیت‌های هنری غیرحرفه‌ای

روند فعالیت‌های هنری غیرحرفه‌ای مرتباً رو به افزایش است. از هر ده فرانسوی چهار نفر حداقل طی دوازده ماه اخیر یکبار در فعالیت‌های هنری غیرحرفه‌ای مشارکت داشته است. بالغ بر نیمی از افراد ۱۵ تا ۱۹ ساله در فعالیت‌های موسیقی مشارکت داشته‌اند. در حالی که فعالیت‌های ادبی و هنرهای تجسمی به‌طور یکسان در بین نوجوانان با نسبتی کمتر در بین بزرگسالان رواج داشته است. از سوی دیگر، آمار مخاطبین برای اجراهای زنده غیرحرفه‌ای نیز افزایش نشان می‌دهد (از ۱۴٪ به ۲۰٪).

اقدامات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ترویج مشارکت فرهنگی

دموکراسی‌سازی فرهنگ موضوع اصلی اقدامات سیاسی دولت است که با هدف افزایش سطح حساسیت و دانش مخاطبین نسبت به میراث، آثار هنری و فعالیت‌های غیرحرفه‌ای در تمامی رشته‌های هنری انجام می‌شود.

بدون وجود میانجی‌گری مناسب، مواجهه واقعی با میراث فرهنگی و آثار هنری است. وزارت فرهنگ فرانسه تلاش دارد تا میانجی و بازدیدهای راهنمای آموزشی مبتنی بر فعالیت‌های واقعی فرهنگی و هنری بازدیدکنندگان را فراهم سازد.

آموزش هنر در سیاست توسعه فرهنگی فرانسه نقشی بنیادین دارد. برنامه‌های مرتبط با آموزش هنر از طریق تربیت افراد متخصص تحت نظارت وزارت فرهنگ و ادارات محلی و نیز از طریق تربیت افراد تحت سیستم آموزشی کشور فراهم می‌شود.

هزینه ورودی تسهیلات فرهنگی، اگرچه هرگز تنها مانع نبوده، و به‌ندرت تنها عامل تعیین‌کننده بوده است، به‌عنوان بازدارنده‌ای در مشارکت فرهنگی شمار قابل قبولی از مردم و به‌ویژه جوانان عمل کرده است. توجه به مسئله نرخ هزینه‌های ورودی به نظر یک عامل اساسی در حرکت به سمت دموکراسی‌سازی فرهنگی محسوب می‌شود.

بسیاری از ساختارهای فرهنگی تلاش‌های چشمگیری در جهت کاهش هزینه‌های ورودی به‌ویژه برای جوانان و اقشار کم‌درآمد کرده‌اند. افراد زیر ۱۸ سال از تسهیلات ورود رایگان به بناهای ملی و ۳۳ موزه ملی بهره می‌برند. از اول اکتبر سال ۱۹۹۹، بالغ بر ۹۸ بنای تحت نظارت دولت، یک روز یکشنبه در ماه، البته به استثناء دوره گردشگری (یعنی فقط در پاییز و زمستان) پذیرای بازدید عموم به‌طور رایگان هستند. از اول ژانویه سال ۲۰۰۰ نیز، ۳۳ موزه ملی، این معیار را رعایت می‌کنند.

یک تحقیق آماری در مورد نتیجه اعطای تسهیلات برای ورود عموم به تئاترهای ملی در روزهای سه‌شنبه نشان می‌دهد افرادی که از این مزایا استفاده کرده‌اند عمدتاً دانشجو بوده‌اند و پس از آن بازدیدکنندگان و تئاترروهای حرفه‌ای بوده‌اند و لذا این تعرفه در جذب مخاطب جدید موفق نبوده است. لذا هنوز نیاز آشکاری برای یافتن یک سیاست ارتباطی به منظور جذب مخاطبین مورد نظر و در کل مراجعین همواره وجود دارد.

اخیراً نیز برنامه‌چک‌های فرهنگی برای دانش‌آموزان دبیرستان (۱۵ تا ۲۰ ساله) مطرح شده است. این سیستم قبلاً در منطقه Rhone-Alpes اجرا شده بود. چک‌های فرهنگی برخلاف کارت‌های آبونمان که تسهیلات ورودی را فقط برای برخی از مؤسسات فرهنگی خاص فراهم می‌سازد، می‌تواند برای استفاده در مؤسسات مختلف استفاده شوند (سینما، تئاتر، موزه، کتابخانه) ارزیابی این تجارب نشان می‌دهد که چک‌های فرهنگی نه فقط به‌عنوان ساز و کار قیمت‌گذاری، بلکه به‌عنوان ابزاری برای شکل‌گیری یک ارتباط جدید با فرهنگ از طریق همگانی کردن فضاهای فرهنگی، بهبود انتخاب فرهنگی، منزلت «مصرف‌کننده»، افزایش علایق و غیره به خدمت گرفته شود.

منبع: <http://www.culturalpolicies.net/porfiles/france>

برای اطلاع بیشتر می‌توانید به سایت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی مراجعه فرمایید:

<http://www.iranculture.org/research/cupol/index.php>

مالزی

حیات فرهنگی مالزی با عواملی چون وجود اقوام مختلف، مذاهب مختلف، و تلاش‌های نظام‌مند برای گسترش دین اسلام و نیز ترویج فرهنگ مالایی در یک جامعه مصرفی به سرعت در حال گسترش، مشخص و نیز محدود شده است.

آموزش

نظام آموزش کشور مالزی متناسب با نظام آموزشی بریتانیایی توسعه و سامان یافته است. از دهه ۱۹۷۰ زبان آموزشی کشور عموماً زبان مالایی (بهااسا مالزی) بوده است. جوامع قبیله‌ای متنوع مالزیایی نیز گاه کلاس‌های مخصوص به‌خود را دارند و به زبان خود (ماندارین یا تامیل) یا زبان انگلیسی آموزش می‌دهند. به‌همین ترتیب مدارس افراد خارجی هم مجاز شمرده شده است. برای مثال مدرسه آلمانی کوالالمپور (DSKL) از سال ۱۹۷۲ دایر است. درحالی که تمامی بچه‌ها در مدرسه ابتدایی زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان خارجی خود فرامی‌گیرند، دولت در تلاش است تا تنوع زبان‌های خارجی برای آموزش در مدارس بیشتر شود. از اواخر سال ۱۹۹۵ زبان آلمانی (به همراه زبان فرانسوی) در دوره دبیرستان به‌صورت اختیاری ارائه می‌شود.

دولت مالزی با ارجحیت دادن به امر آموزش، ضمن آنکه کار آموزش را برای تربیت تکنسین و مهندس هماهنگ می‌سازد، با همکاری آلمان کار نظام آموزشی اوقات فراغت را در جوار این

سیاست‌ها آغاز کرده است. هم‌اکنون برنامه‌های همکاری با دانشگاه‌های علوم کاربردی آلمان نیز در دستور کار دولت مالزی است.

راهبردهای سیاست فرهنگی مالزی

مالزی یک کشور چندنژادی با میراث فرهنگی غنی است. بخش عمده میراث فرهنگی آن به شکل مستند موجود است: نخ دستی، مصنوعات، مجسمه، طرح‌ها، نقوش سنتی بر پارچه و زیورآلات که در کتابخانه‌ها، موزه‌ها، آرشیوها، نگارخانه‌ها و مراکز فرهنگی حفظ و نگهداری می‌شود؛ همچنین میراث ارزشمندی از آثار صوتی، موسیقایی، شعری، حماسی، تغزلی و اشعار غنایی و سنت‌های شفاهی وجود دارد که نسل به نسل منتقل شده است.

دولت مالزی بر این باور است که برنامه‌های فرهنگی در بهبود کیفیت و ایجاد انسجام ملی نقش کلیدی دارد. دولت به منظور تثبیت وحدت ملی که مورد قبول تمامی شهروندان صرف‌نظر از منشأ قومی یا گرایش‌های مذهبی باشد، فلسفه ملی "Rukunegara" (به معنی ملیت مالزیایی) را مطرح کرد. این برنامه دولت مالزی را موظف می‌کند:

- بین تمامی آحاد ملت وحدت و یکپارچگی پدید آورد.
- راه دمکراتیک زندگی کردن را مهیا کند.
- جامعه‌ای برابر را پدید آورد که رفاه ملت در آن اولویت دارد.
- امکانات لازم برای دستیابی آزاد کشور به تمامی سنت‌های متنوع و غنی فرهنگی را فراهم کند.

● یک جامعه پیشرو با جهت‌گیری به سمت علوم و فناوری‌های مدرن برقرار کند.

برای تحقق این اهداف، "Rukunegara" پنج اصل را به عنوان شاخص‌های راهبردی مطرح می‌کند: اعتقاد به خدا، وفاداری به پادشاه و کشور، پذیرش اولویت قانون اساسی، اعتقاد به قوانین و مقررات، احترام متقابل، رفتار و اخلاق مناسب اجتماعی.

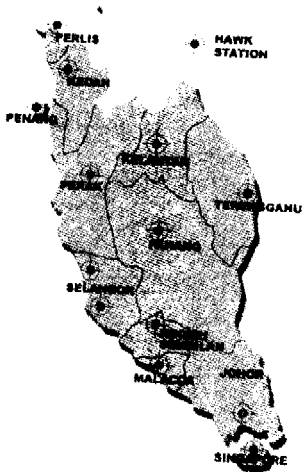
هدف و نقش فرهنگ، غنی‌سازی هویت ملی، تقویت تفاهم فرهنگی در بین گروه‌های قومی و ترویج آگاهی و حساسیت نسبت به مقولات فرهنگی و هنری در بین مردم است. سیاست فرهنگی کشور مالزی در سال ۱۹۷۱ مدون شد. این سیاست شامل سه عنصر مهم است:

- تأکید بیشتر دولت مالزی بر برنامه‌های فرهنگی که هویت ملی را تقویت می‌بخشد.
- ترویج روحیه وحدت ملی.
- ایجاد و تثبیت هماهنگی قومی و نژادی در سرتاسر مالزی.

فرهنگ ملی اصلی مالزی، فرهنگ مالی است، با این حال سایر فرهنگ‌های متعلق به گروه‌های قومی، امکان انجام مراسم و سنن فرهنگی خود را دارند.

پیش‌بینی شده است که کشور مالزی تا سال ۲۰۲۰ به یک کشور کاملاً پیشرفته بدل شود. در چشم‌انداز سال ۲۰۲۰ توسعه همه‌جانبه کشور مالزی تصریح شده است:

«ملت منسجم و در صلح با خود و با دیگران، و با مردمی پای‌بند به ارزش‌های اخلاقی و معنوی. تلاش کشور در جهت برقراری یک جامعه غنی از اطلاعات و مسلح به فرهنگ علمی و فناوری است. چالش‌هایی که در جهت تحقق این اهداف در پیش‌روی کشور مالزی وجود دارد



عبارتند از: «برقراری یک ملت مالزیایی متحد؛ شکل‌دهی یک جامعه پیشرفته لیبرال و ایمن مالزیایی؛ برقراری یک جامعه دموکراتیک؛ تثبیت یک جامعه کاملاً متکی به اخلاق و معنویات؛ ایجاد یک جامعه آزاد و با تساهل؛ ایجاد یک جامعه پیشرفته و علمی؛ ایجاد یک جامعه برخوردار از عدالت اقتصادی که در آن تقسیم ثروت برای عموم به‌طور برابر میسر باشد؛ و سرانجام ایجاد یک جامعه غنی و مرفه با اقتصادی کاملاً پویا، کارآمد، پر قدرت و انعطاف‌پذیر».

ارزش‌های معنوی

به‌منظور دستیابی به یک ملت کاملاً پیشرفته مالزیایی تأکید زیادی بر ارزش‌های معنوی، اخلاقی و قومی شده است. یک نظام ارزشی خوب بر رفتارهای اخلاقی و ارزشی متکی بر مذهب، عرف و سنت تأکید دارد. این ارزش‌ها به‌عنوان یک مؤلفه حیاتی در حرکت ملت به سمت یک ملت کاملاً صنعتی شده بعداً بیشتر مورد توجه خواهد بود. به‌منظور القای رفتارها و ارزش‌های مثبت جامعه، صفاتی همچون نظم، صداقت، پشتکار، شرافت، انعطاف‌پذیری، تساهل، صرفه‌جویی و احترام به بزرگتر که مشخصه بافت اجتماعی جامعه مالزی است، پیوسته از طریق نظام آموزشی کشور، سازمان‌های تجاری و برنامه‌های مختلف همگانی و خانوادگی تقویت می‌شود.

جوانان

سیاست کلی در جهت تشویق تمامی مالزیایی‌ها برای القای احترام عمیق به ارزش‌های اخلاقی و به‌کارگیری آنها به‌عنوان رمزگان ارتباط با دیگران است. ارزش‌های معنوی و رفتارهای اخلاقی در برنامه‌های Rakan Muda (برنامه دوستی جوانان) با جدیت تأکید و تشویق شده است. این برنامه با برنامه‌های تبلیغی برای معرفی شیوه زندگی سالم برای جوانان که با هدف القای ارزش‌های مثبت در میان جوانان انجام می‌شود همراه خواهد بود. بخش فرهنگی وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری مالزی به‌منظور ترویج مشارکت هرچه بیشتر عموم در فعالیت‌های فرهنگی، برخی فعالیت‌های همگانی همچون اردوی فرهنگی اجتماعی جوانان را سازماندهی و حمایت می‌کند. این اردوها با هدف تربیت و پرورش نسلی از راهبران فرهنگی است که در حوزه فرهنگ و هنر خلاق و مبتکر باشند. این اردو تمامی شرکت‌کنندگان شامل دانش‌آموزان، دانشجویان، رهبران، فعالان و اعضای سازمان‌های دولتی و ایالتی را دربرمی‌گیرد.

فناوری اطلاعات

درحالی که مالزی با به‌هزاره سوم می‌گذارد، هزاره‌ای که در آن فناوری اطلاعات به‌عنوان محرک اصلی به جامعه جهانی شناخته شده است، دولت مالزی با جدیت تمام سعی در معرفی فرهنگی ET (فناوری اطلاعات) در جامعه و به‌ویژه بین نسل‌های جوان‌تر دارد.

نهادهای و مؤسسات عمومی

دولت مالزی بر این باور است که فرهنگ و هنر به‌همان اندازه اقتصاد در توسعه عمومی کشور

حائز اهمیت است. وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری با این اهداف شکل گرفت:

- برقراری وحدت ملی، یکپارچگی ملی و هویت ملی
 - برقراری و تقویت کیفیت موزون زندگی و توسعه اجتماعی - اقتصادی
 - توسعه صنعت گردشگری به عنوان یکی از صنایع مهم در توسعه اقتصادی ملی
- بخش فرهنگی وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری موظف است شهروندانی فرهنگی ملهم از ارزش‌ها و فضایل اخلاقی پرورش دهد. وظیفه این بخش عبارت است از:
- اجرای برنامه‌های تحقیقاتی و مدون کردن فرآورده‌های فرهنگی برای تأسیس مرکز منابع و بانک‌های اطلاعاتی به منظور توسعه فرهنگ عمومی.
 - شناسایی، مرمت و احیای میراث فرهنگی.
 - برنامه‌ریزی و عرضه فعالیت‌ها و پروژه‌های فرهنگی در دو سطح ملی و ایالتی هماهنگ با سیاست‌های فرهنگ ملی کشور.

- برنامه‌ریزی تسهیلات و امکانات فرهنگی برای هنرمندان و گروه‌های مجری برنامه‌های هنری که آثار خود را به مخاطبین محلی و نیز گردشگران عرضه کنند.
- تقویت تفاهم و تعامل فرهنگی با کشورهای خارجی.

به منظور بهره‌گیری از مشاوره فنی متخصصین برای تحقق اهداف و سیاست‌های فرهنگی کشور شورایی با نام شورای ملی مشاوره در امور فرهنگی تأسیس شد. اعضای این شورا را متخصصین و کارشناسان حوزه‌های مختلف فرهنگی و از میان اقوام مختلف تشکیل می‌دهند. در حال حاضر حدود ۱۸۰۰ سازمان مختلف فرهنگی در کشور مالزی فعالیت دارند. به علاوه چهارده شورای فرهنگی دولتی و ۴۶ شورای فرهنگی محلی نیز در کشور فعال هستند. مشارکت بخش خصوصی و سازمان‌های فرهنگی غیردولتی در فعالیت‌های فرهنگی کشور روز به روز افزایش می‌یابد و نقش چشمگیری در تأثیرگذاری فرهنگ در تقویت و غنای توسعه ملی ایفا می‌کند.

در تمامی ایالات مالزی، ادارات مختلف فرهنگی و هنری شکل گرفته‌اند تا برنامه‌های توسعه فرهنگی را ساماندهی و هدایت کنند، و هماهنگی لازم را بین بخش‌های مختلف فعالیت‌های فرهنگی و نهادهای فرهنگی برقرار سازند. مراکز فرهنگی - هنری در شهرهای مختلف مالزی شکل گرفته‌اند. برای پرورش و تقویت وحدت ملی و ایجاد هماهنگی بین اقوام و نژادها به‌طور پیوسته چندین رویداد و مراسم مهم فرهنگی در کشور برپا می‌شود. از جمله جشنواره‌های مختلف هنری، موسیقی و... و برگزاری اردوهای مختلف فرهنگی اجتماعی. همچنین چندین گروه فرهنگی ویژه کودکان با هدف عرضه و معرفی فعالیت‌های مختلف هنری در زمینه موسیقی، حرکت موزون، نمایش، نقاشی و خوشنویسی تأسیس شده‌اند که نقش مهمی در القای ارج نهادن و عشق ورزیدن به میراث فرهنگی از طریق هنر دارند.

دولت همچنین تلاش‌های زیادی در جهت تقویت مشارکت و هماهنگی بین سازمان‌های مختلف فرهنگی و نهادهای مردمی از طریق اجرای برنامه‌های موسیقی، نمایشی، ادبی، پژوهشی و برگزاری همایش‌های مختلف در زمینه زبان و ادبیات داشته است. این برنامه‌ها نقش عمده‌ای در یکپارچگی جامعه، تقویت هویت ملی، وحدت ملی و ایجاد هماهنگی بین ارزش‌های خوب

اخلاقی و جهانی با توجه به رشد روزافزون جمعیت داشته است.

ابزارهای حمایت از فعالیت‌های فرهنگی

تمامی ارکان دولت (در سطوح مختلف ملی، ایالتی، شهری و مؤسسات دولتی) در جهت تبلیغ و ترویج فعالیت‌های فرهنگی مشارکت دارند و هر یک سهم خاصی از بودجه خود را برای توسعه فرهنگ در کشور اختصاص می‌دهند. دولت مالزی پیوسته مردم را به خلق آثار هنری تشویق می‌کند و ارزش‌های زیبایی‌شناختی را به‌ویژه ارج نهادن به آثار هنری و حفظ و حراست از آثار و میراث فرهنگی و هنری کشور تشویق می‌کند.

دولت مالزی از طریق وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری برای تقویت فعالیت‌های فرهنگی - هنری، به سازمان‌های مختلف فرهنگی و هنری در سطوح مختلف ملی، ایالتی و محلی کمک مالی اعطا می‌کند. این کمک مؤسسات آموزش عالی، شرکت‌های خصوصی و کمیته‌های اجرایی را که توسط دولت یا بخش خصوصی تأسیس شده‌اند و در حوزه فعالیت‌های فرهنگی و هنری مشارکت دارند، دربرمی‌گیرد. این کمک‌های مالی به‌منظور تشویق سازمان‌های فرهنگی برای سازماندهی و برپایی فعالیت‌های مرتبط با فرهنگ و هنر و از طریق گسترش نظارت سازمانی انجام می‌شود و به مؤسسات فرهنگی و هنری امکان می‌دهد تا پروژه‌های باکیفیت بالاتر را انجام دهند و شبکه‌ای را برای ارتباطات و همکاری بیشتر بین مؤسسات فرهنگی - هنری و دولت پدید آورند.

سیاست‌های مربوط به بخش‌های مختلف فرهنگی

آموزش و تربیت فرهنگی

دولت مالزی پیوسته در جهت گسترش و تقویت برنامه‌های اجتماعی - فرهنگی خود تلاش می‌کند. در این راستا امکانات و تسهیلات لازم را برای آموزش و تشویق عموم به مشارکت در توسعه تمامی عرصه‌های فعالیت فرهنگی افزایش داده است.

در حال حاضر در تمامی مدارس ابتدایی و راهنمایی مالزی موسیقی و سرودخوانی آموزش داده می‌شود. دولت مدارس را تشویق می‌کند تا گروه‌های مختلف هنری در رشته‌های موسیقی، نمایش و کر تشکیل دهند. هر ساله مسابقات نمایش بین مدارس در سطوح ملی و محلی برگزار می‌شود. برای دانش‌آموزانی که علاقه‌مند به مطالعات بیشتری هستند و مایلند به صورت تخصصی در زمینه فرهنگ و هنر آموزش ببینند، دوره‌هایی در دانشگاه مالایا و چند دانشگاه دیگر تدارک دیده شده است.

به‌منظور ترویج تخصص‌گرایی در بین هنرمندان و کسانی که به فعالیت‌های فرهنگی مشغول هستند، چند مؤسسه آموزشی که در دوره‌های کوتاه‌مدت ارائه می‌دهند، تأسیس شده است. مؤسساتی نظیر فرهنگستان ملی هنر دوره‌های مختلف آموزش تخصصی را در حوزه نمایش، ادبیات، حرکات موزون و موسیقی ارائه می‌دهد.

ادارات مختلف تحت نظارت وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری دوره‌هایی را برای ادامه تحصیل در زمینه رشته‌های فرهنگی - هنری ترتیب می‌دهند. فرهنگستان ملی هنر

وابسته به وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری انواع دوره‌ها را ارائه می‌دهد از جمله دوره‌های نمایش‌نامه‌نویسی و نویسندگی در تمامی حوزه‌های سینما، نمایش، رادیو و تلویزیون.

هر یک از این دوره‌ها به مباحث و اصول نظری و نیز جوانب کاربردی نمایش‌نامه‌نویسی می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا دانشجویان تجربه و مهارت لازم را در تمامی شکل‌های نویسندگی فراگیرند.

آنان همچنین با اصول تحلیل و نقد ادبی آشنا می‌شوند و بدین ترتیب دانش لازم برای پرورش ذهن‌های تحلیل‌گر و منتقد که قادر به خلاقیت باشند فراهم می‌شود.

مطالعات موسیقی در هنرهای اجرایی بر کسب مهارت‌های لازم اجرایی و نیز دوره‌های مبتنی بر اصول نظری، تصنیف/آهنگسازی، فلسفه و تاریخ تأکید شده است. دانشجویان امکان می‌یابند در فعالیت‌های گروهی مشارکت جویند. فعالیت‌هایی همچون موسیقی مالایی، موسیقی ملی، ارکستر سمفونیک، کر، گروه‌نوازی و نظایر این. در کلاس‌های حرکات موزون نیز دوره‌هایی برای آموزش فنون و مهارت‌هایی نظیر شیوه‌های مالزیایی، آسیایی، غربی و نیز طراحی و آموزش حرکات موزون ارائه می‌شود. در کلاس‌های تئاتر نیز هنرهای نمایشی آموزش داده می‌شود.

هنرهای نمایشی

وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری به منظور ترویج هنرهای نمایشی مالزیایی در سطح ملی و بین‌المللی چندین جشنواره سالانه ترتیب می‌دهد؛ مانند جشنواره ملی حرکات موزون و جشنواره ملی تئاتر. این جشنواره‌ها به مثابه زمینه‌ای برای شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های تخصصی و حرفه‌ای در عرصه تئاتر و حرکات موزون در سطح کشور انجام می‌شود. همچنین برای تبلیغ و ترویج اجراهای نمایشی اپرا در بین عموم مردم، در تمامی ایالت‌ها گروه‌های مختلف اپرا شکل گرفته است. در حال حاضر به‌طور مرتب اجراهای نمایشی مختلفی در مراکز مختلف فرهنگی مانند مجتمع اطلاعات گردشگری مالزی و مجتمع ملی تئاتر اجرا می‌شود. گروه‌های حرکات موزون نیز غالباً همراه با هیأت‌های تبلیغی گردشگری به کشورهای خارجی سفر می‌کنند، ریرا دولت با معرفی فرهنگ منحصر به فرد مالزیایی و نیز محیط طبیعی کشور، گردشگری را تبلیغ می‌کند.

مرکز «تئاتر تجربی» نیز به منظور حمایت از هنرمندان و سازندگان و علاقه‌مندان هنرهای نمایشی برای اجرای تمرین و کسب تجربه در فعالیت‌های هنری در مجتمع فرهنگی کشور تأسیس شده است.

همچنین دولت به منظور تشویق هنرمندان برای ارائه آثار ارزنده‌تر و خلاق‌تر و خلق آثار ادبی و هنری با کیفیت بالا و ارتقا و غنابخشیدن به میراث ملی، به افرادی که در توسعه هنری، فرهنگی و ادبی مشارکت دارند، جوایز متعددی اعطا می‌کند. این اقدام گویای اهتمام دولت در ارج نهادن به مشارکت آنان در توسعه فرهنگ، هنر و ادب کشور است.

هنرهای تجسمی و هنرهای زیبا

دولت به منظور تشویق مردم مالزی به خلق آثار هنری ارزشمند و واجداستاداردهای بالا، در بسیاری از شهرها اقدام به تأسیس گالری‌های نقاشی کرده است.

گالری ملی هنر که به تازگی با هزینه‌ای بالغ بر ۴۰ میلیون رینگیت در سال ۱۹۹۸ ساخته شد، کانونی برای حفظ و نمایش گنجینه آثار هنری معاصر مالزی است. این گالری چند کتابچه راهنما در زمینه هنر مالزی به چاپ رسانده است و مجموعه‌ای از مقالات صاحب‌نظران و کارشناسان هنری مالزی را منتشر ساخته است. این گالری هر ساله نمایشگاهی از آثار هنرمندان جوان را ترتیب می‌دهد و نقشی اساسی در معرفی و شناسایی هنرمندان مستعد و برتر امروز مالزی داشته است. این گالری همچنین تسهیلاتی را برای نمایش عمومی آثار گروهی فراهم می‌کند و میزبان برگزاری مسابقه هنری سالانه «فیلیپ موریس» است. علاوه بر این گالری ملی به مدارس و کتابخانه‌ها برای برپایی مسابقات هنری کمک می‌رساند.

دولت مالزی برای تشویق بخش‌های خصوصی و افراد برای مشارکت در ترویج فعالیت‌های هنری، یک صندوق اعتباری برای نمایش آثار هنری تأسیس کرده است. در سال ۱۹۹۶ سه مؤسسه بخش خصوصی با سهمی معادل ۷/۲۵۰/۰۰۰ رینگیت در این صندوق مشارکت داشتند. وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری، اعتباری بالغ بر ۵ میلیون رینگیت را برای خرید آثار هنری، آثار موزه‌ای و آرشیوی در اختیار موزه‌ها، گالری ملی هنر و آرشیوخانه‌های ملی اختصاص داده است.

بخش موسیقی

تولیدات موسیقی عموماً توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. مرکز خزانه کتابخانه ملی مالزی، که قانون امانت‌دهی آثار کتابخانه‌ای (۱۹۸۶) را به اجرا گذاشت، بالغ بر ۴۰۰ عنوان از آثار صوتی، عمدتاً آواز و موسیقی را در سال ۱۹۹۶ دریافت کرد. برخی از این عناوین به صورت سی دی منتشر شده است. ارزش سرمایه در گردش صنعت موسیقی در مالزی حدوداً بالغ بر ۵۰۰ میلیون رینگیت است. باین حال آثار آواز و موسیقی خارجی بخش عمده‌ای از درآمدها را تشکیل می‌دهند. دولت در راستای تحقق توسعه صنعت موسیقی در کشور و خارج، سیاست جدیدی را برای اداره صنعت تولید آثار موسیقی مطرح ساخته است. این سیاست‌گذاری ایستگاه‌های رادیویی دولتی و خصوصی را ملزم می‌سازد که حق تقدم و اولویت را به بخش آثار موسیقیایی داخلی دهند. ایستگاه‌های تلویزیونی محلی نیز جشنواره‌های سالانه‌ای برای انتخاب «بهترین موسیقی»، «بهترین آهنگساز» و «بهترین «ملودی مالزیایی» سازمان می‌دهند. برای احیای توسعه موسیقی سنتی و افزایش شمار خوانندگان و آهنگسازان در موسیقی کلاسیک، بخش فرهنگی وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری اقدام به برپایی مسابقات سالانه موسیقی کلاسیک جوانان در سطح ملی و ایالتی کرده است. وزارت بازرگانی و امور مصرف‌کنندگان نقش مهمی در ممانعت از تکثیر غیرمجاز آثار موسیقیایی و اعمال قوانین بازدارنده برای نشر قاچاق این‌گونه آثار داشته است.

بخش پژوهش‌های فرهنگی

وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری مالزی مرکزی را با نام «مرکز منابع فرهنگی با بانک اطلاعاتی» تأسیس کرده است که در تلاش است منابع جامع درخصوص میراث فرهنگی مالزی را بسط و توسعه دهد. این مرکز با مراکز فرهنگی مختلف، مؤسسات دانشگاهی، مؤسسات تحقیقاتی، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مؤسسات خصوصی که در زمینه گردآوری تولیدات و فرآورده‌های مختلف فرهنگی اشتغال دارند، همکاری دارد.

درخصوص میزان مشارکت و بهره‌گیری از فعالیت‌های فرهنگی، آمار نشان می‌دهد که شمار مراجعین به کتابخانه‌ها، موزه‌ها، گالری‌های هنری و نمایش‌خانه‌ها طی چنددهه اخیر افزایش یافته است.

بخش همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی

در زمینه رابطه فرهنگی با دیگر کشورهای جهان، ارگان‌های مختلف دولتی مشارکت و مسئولیت دارند؛ مانند ادارات مختلف وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ، هنر و گردشگری. فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور معمولاً توسط سفارتخانه‌ها، مؤسسات فرهنگی و نیز انجمن‌های دانشجویان مالزی خارج از کشور به‌ویژه در بزرگداشت روز استقلال مالزی، انجام می‌شود.

کمیته فرهنگی آسه‌آن

ارتباطات فرهنگی بین‌المللی مالزی با سایر کشورها به‌ویژه از طریق روابط فرهنگی نزدیک و همکاری‌های دوجانبه با دیگر کشورها تقویت شده است. مالزی به‌طور فعال در کمیته امور فرهنگی و اطلاعاتی «آسه‌آن» (ASEAN-COCI) مشارکت دارد. این کمیته خط‌مشی را برای مراودات فرهنگی و اطلاعاتی فراهم می‌سازد. کمیته‌های تخصصی «آسه‌آن» شامل کمیته‌های کاری در زمینه هنرهای تجسمی و نمایشی، کمیته کاری در زمینه آثار ادبی و مطالعات «آسه‌آن» است. این کمیته‌ها تاکنون پروژه‌های مختلف تحقیقاتی را به انجام رسانده‌اند و آثاری را در زمینه‌های مختلف فرهنگ «آسه‌آن» منتشر ساخته‌اند. همچنین مالزی همکاری نزدیکی با یونسکو دارد. به‌ویژه در زمینه پروژه «یادمان پروژه جهانی»، ASTINFO و APINESS مشارکت فعالی داشته است. به‌علاوه مالزی نقش فعالی در انجمن منطقه‌ای باستان‌شناسی و هنرهای زیبا (SPAFA) دارد. این انجمن با هدف آگاهی‌رسانی و ارج نهادن به میراث فرهنگی منطقه در تلاش است دستاوردهای باستان‌شناسی و فعالیت‌های فرهنگی این منطقه را شناسایی و معرفی کند.

تبادلات فرهنگی در سطح بین‌المللی میان دانشگاهیان، صاحب‌بظران، هنرمندان، نویسندگان، نمایش‌نامه‌نویسان تحت نظر کمیته فرهنگی و اطلاعاتی «آسه‌آن» و انجمن منطقه‌ای باستان‌شناسی و هنرهای زیبا در قالب برنامه‌های غنی‌سازی مطالعات فرهنگی و مبادلات فرهنگی انجام می‌گیرد. گروه‌های فرهنگی متعددی از مالزی در جشنواره‌های بین‌المللی شرکت می‌کنند و همچنین هیأت‌های نمایندگی دولت مالزی در کشورهای خارجی را همراهی می‌کنند؛ مانند شرکت در نمایشگاه‌های تجاری بین‌المللی و همراهی با هیأت‌های تبلیغی گردشگری.

کنگره کتابخانه‌های کشورهای جنوب شرق آسیا (CONSAL) که هر دو سال یکبار همایش‌های خود را برگزار می‌کند، متعهد است کتابخانه‌های کشورهای جنوب شرق آسیا را حفاظت کند و پایگاه اطلاعاتی آنها را در زمینه میراث‌های فرهنگی منطقه بهبود بخشد.

منبع: http://www.culturelink.or.kr/policy_malaysia

کوبا

حیات فرهنگی کشور کوبا در چارچوب تحت نظارت دولت شکل می‌گیرد. علی‌رغم قلیل بودن منابعی که مشخصه کشورهای پیشرفته صنعتی است، اما زندگی فرهنگی در کشور کوبا بسیار غنی است و عرصه‌های مختلفی چون فیلم، موسیقی، حرکات موزون (از جمله باله)، رسانه‌ها، هنرهای تجسمی و ادبیات با کیفیت بالا را در بر می‌گیرد و در برخی موارد شهرت جهانی دارد. در حالی که مطبوعات و ادبیات ارتباط تنگاتنگی با دیدگاه‌های ایدئولوژیک حکومت دارد، اما حوزه سینما، تجسمی و نمایشی از آزادی بیشتری برخوردارند. با این حال حیات فرهنگی کوبا به دلیل کسری بودجه ناشی از شرایط اقتصادی که از سال ۱۹۹۰ دامنگیر کشور شد و به‌ویژه کمبود کاغذ، به شدت تأثیر پذیرفته است.

سیاست روابط فرهنگی کوبا در خدمت تقویت ارتباط کوبا با کشورهای آمریکایی است (مانند برگزاری جشنواره فیلم آمریکای لاتین، فرهنگستان فیلم آمریکای لاتین، مرکز فرهنگی "CDLA" و سایر جشنواره‌ها). نمایشگاه کتاب کوبا، جشنواره بین‌المللی باله کوبا و دو سالانه‌های هنری از شهرت خوبی در خارج از مرزهای کوبا برخوردارند. نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال ۲۰۰۳ در هاوانا عمدتاً بر دولت‌های حوزه «آند» تمرکز داشت و سال آینده توجه خود را بر آلمان معطوف خواهد کرد.



منبع: <http://www.auswaertiges-amt.de/laenderinfos-ausgabe>

ایتالیا

مقدمه: ایتالیا، از کشورهای اروپای شمالی است و با مساحتی معادل ۳۰۱۲۲۳ کیلومتر مربع در مجاورت دریای مدیترانه قرار دارد. از حدود ۵۷/۵ میلیون جمعیتی که دارد، ۶۷ درصد ساکن شهرها هستند. ۹۸ درصد مردم ایتالیا کاتولیک هستند.

انبوه فرهنگیان متعلق به این کشور، نمود پیشگام بودن آن در امور فرهنگی است. سیستمی متشکل از سازمان‌های اداری که رقابت‌هایی پراکنده در میان بخش‌ها و سطوح مختلف اداری به وجود آورده‌اند، مسئولیت اداره فرهنگی را بر عهده دارد.

کشور از نظر سیستم اداری به بیست استان، نود و دو شهرستان و حدود ۸۰۰۰ شهرک تقسیم می‌شود که نه تنها از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی، بلکه از لحاظ قدمت فرهنگی هم بسیار

ممتاز هستند. نظارت بر همه برنامه‌ها و رویدادهای فرهنگی، اغلب به‌عهده افراد متعددی از سطوح مختلف اداری، از جمله سازمان‌های تحت‌کنترل بخش خصوصی، است. فعالیت‌های مربوط به حفاظت و بازسازی میراث فرهنگی ملی و بی‌نهایت غنی این کشور، مدت‌هاست در زمره پیشگامی‌های متعدد فرهنگی دولت ایتالیا قرار دارد.

۱- روند کلی سیاست فرهنگی

بند ۹ قانون اساسی ایتالیا که اظهار می‌دارد: «دولت باید مشوق پیشرفت‌های علمی و فرهنگی باشد، باید به میراث هنری و تاریخی ملی توجه کافی مبذول دارد»، متضمن وضعیت مطلوب بازسازی و حفاظت از میراث فرهنگی ملی است. بندهای ۱۱۷ و ۱۱۸ قانون اساسی نیز به موضوعات فرهنگی اختصاص دارد. بند ۹، در میان مسئولان محلی و منطقه‌ای، رقابتی پیرامون موزه‌ها و کتابخانه‌ها به‌وجود می‌آورد، در حالی که بندهای ۱۱۸ و ۱۱۷ به‌منظور احتمال کاهش کنترل بر زمینه‌های خاص دیگر و معرفی قانونی متناسب با آن، وضع شده‌اند.

گسترش استانداردهای قانون اساسی، امکان مداخله بیشتر و مستقیم قوانین منطقه‌ای را در زمینه‌های فرهنگی، براساس مفهوم پویاتری از زندگی فرهنگی، پدید آورده است، نمونه بارزی این شیوه گسترش یافته و آزادی خواهانه، تدوین قوانین منطقه‌ای ایالت «لمباردی» است، سرزمینی که خواستار توسعه فرهنگی با همه جوانب آن، است. چنین تعریفی تأثیر حکومت‌های منطقه‌ای بزرگتر بر زمینه‌های فرهنگی را هم شامل می‌شود، خواسته‌ای که با صدور فرمان ۶۱۶ در سال ۱۹۷۷ نیز تثبیت شد.

تلاش برای تعریف مجدد مفهوم سستی سیاست توسعه فرهنگی، از اواخر دهه ۱۹۶۰، آغاز شد. زمانی که نخستین مطالعات به‌منظور تحلیل و سوق‌دادن مجدد بودجه دولت به حوزه فرهنگی، به‌عنوان بخشی از کارهای مقدماتی «طرح توسعه اقتصاد ملی» بین سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۰، در دست بررسی بود. در سال‌های هفتاد، پیکارهای زیادی با شعار «مردمی‌کردن» زندگی فرهنگی صورت گرفت که افزایش سخاوتمندانه بودجه را به‌دنبال داشت. در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، کاهش بودجه عظیم دولت ایتالیا، از یک‌سو و تمایل به حفاظت میراث فرهنگی و ترویج فرهنگ از سوی دیگر، منجر به تحول در زندگی فرهنگی سستی که توسط دولت کنترل می‌شد و ایجاد یک نظام برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیرتر با ترکیبی از بخش‌های دولتی و خصوصی، گردید.

حمایت از «فعالیت‌های مربوط به ترویج فرهنگ و آموزش» گرایش جدیدی است که در سیاست فرهنگی ایتالیا، ظهور کرده است. «ترویج»، همه نوآوری‌هایی را که به‌منظور تشویق احساسات خلاق مردم، مشارکت و تعامل با تجلی فرهنگ رسمی، سازمان رویدادهای فرهنگی با انبوهی شرکت‌کننده و... را شامل می‌شود.

۲- ساختارهای بنیادی و اداری

۲-۱- سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی

مسئولیت‌های اداری مربوط به سیاست فرهنگی، متفاوت هستند. در سطح دولت مرکزی، ۲۱۵



وزارتخانه‌های متعددی در زمینه فرهنگی فعالیت و رقابت می‌کنند. فعالیت‌های دولت مرکزی نیز به‌طور مستمر به واسطه قدرت‌هایی که در سیستم اداری «ناحیه‌گرا»ی ایتالیا، ریشه دوانیده و رقابتی دائمی میان گرایش‌های دولت مرکزی با نیازها و کوشش‌های دولت‌های محلی، به‌وجود آورده‌اند، تنظیم و استوار می‌گردد.

به دلیل اینکه یک وزارت فرهنگ که شامل همه این ویژگی‌ها باشد، وجود ندارد، مسئولیت امور مربوط به این زمینه در میان وزارتخانه‌ها و نهادهای ایتالیایی ذیل، تقسیم شده است:

- وزارت میراث فرهنگی
- وزارت جهانگردی و هنرهای اجرایی
- دفتر نخست‌وزیر
- وزارت امور خارجه
- وزارت پست و ارتباطات
- وزارت مشارکت‌های دولتی
- وزارت آموزش و پرورش
- وزارت امور همگانی

نکته حائز اهمیت این است که عمده مسئولیت‌های مربوط به زمینه فرهنگی، به‌عهده وزارت میراث فرهنگی است. این تنها وزارتخانه‌ای است که منحصراً به موضوعات فرهنگی می‌پردازد. دو وزارتخانه بعدی، فقط در بخش‌های ویژه زندگی فرهنگی یا به عبارتی اختصاص یارانه بر انتشار کتاب و روزنامه (دفتر نخست‌وزیر) و یا روابط فرهنگی بین‌المللی (وزارت امور خارجه)، فعالیت می‌کنند.

وزارت جهانگردی و هنرهای اجرایی تا ماه آوریل سال ۱۹۹۳، مسئول هنرهای اجرایی بود. با این وجود، از زمانی که مناطق آزاد، خودمسئولیت توسعه گردشگری مربوط به منطقه‌های خود را به‌عهده گرفته‌اند، این وزارتخانه، در پی اجرای یک همه‌پرسی، منحل شد. مسئولیت‌های وزیر این وزارتخانه نیز به دفتر نخست‌وزیری محول شده است که در عین حال با اعتراضاتی نیز همراه بوده است. این بخش، مسئول تأمین بودجه و سرپرستی هنرهای اجرایی در داخل و خارج از ایتالیا، کنترل آثار ناشی از اجرای قوانین در زمینه مربوط، نظارت بر کانون‌ها و فعالیت‌های آموزشی دائمی در سطح منطقه‌ای است. نظارت بر هنرهای اجرایی نیز به‌عهده این نهاد است. چارجوب کلی و اصلی دولت ایتالیا (قانون اساسی ۱۹۸۴ - بندهای ۵ و ۱۱۴)، بر مبنای توزیع قدرت و نفوذ در میان چهار سطح سازمانی ذیل و به‌همراه نظارت همگانی است:

- دولت (که به‌واسطه وزارتخانه‌ها و نهادهای مرکزی دیگری که ذکر شد، فعالیت می‌کند.)
- منطقه (که به‌واسطه اداره‌های فرهنگی مختص به خودش، فعالیت می‌کند.)
- ارزیابی‌های فرهنگی ناحیه‌ای:

- اخیراً بخش‌های مستقلی (شهرداری‌ها) را در واحدهای اداری، به‌وجود آورده‌اند.

نکته حائز اهمیت در این تقسیم‌بندی اداری این است که مستلزم تابع‌سازی نیست، به‌عبارت دیگر، نهادهایی که در موقعیت‌های پایین‌تری قرار دارند، در زمره معدود سازمان‌هایی که اجرای فعالیت‌ها و نوآوری‌های تعیین‌شده توسط مسئولان، به آنها محول شده است، به حساب

نمی‌آیند. همان‌گونه که در زمینه فعالیت‌های دیگر نیز، ادارات مذکور در امور فرهنگی، دارای استقلال قابل توجهی هستند. توزیع رقابت بین نهادها در راستای خط‌مشی‌های ذیل صورت می‌گیرد:

● تعیین اهداف کلی و سیاست فرهنگی ملی و نیز حفاظت میراث فرهنگی، توجه به کتابخانه‌های ملی و موزه‌ها، ترویج هنرهای اجرایی و حمایت‌های مکرر صنایع فرهنگی که در اصل با حوزه دولت‌های مرکزی مرتبط است.

● حمایت از موزه‌ها و کتابخانه‌های محلی، ترویج فرهنگ منطقه‌ای و ابتکارهای نوآورانه با هدف ترویج هنرهای اجرایی از مسئولیت‌های دولت‌های منطقه‌ای است، به‌علاوه، مناطق، قدرت قانونی نسبتاً گسترده‌ای دارند، بدین ترتیب آنها می‌توانند به‌طور مستقیم در حوزه‌هایی مانند میراث فرهنگی، تفریحات فرهنگی، تسهیلات فرهنگی و اطلاعاتی مشارکت کنند.

● شهرها، فعالیت‌های فرهنگی موجود را گاهی بر طبق قوانین منطقه‌ای، هماهنگ می‌سازند.

● شهرداری‌ها موظف به راه‌اندازی کانون‌های فرهنگی در مناطق مربوط به خود و حفاظت از میراث فرهنگی محلی و نیز مسئول فعالیت‌های ترویجی (جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و...) هستند. نتیجه حاصل از الگوی مذکور بین دولت مرکزی، که دستورالعمل‌های کلی را طرح کرده و در عین حال بخش عمده بودجه‌ها را متقبل شده است، از یک‌سو و نهاد‌های پایین‌تری که تصور می‌شود مسئول فعالیت‌های خاصی برای دستیابی به اهداف یادشده هستند، اما به‌گونه‌ای مستقل عمل می‌کنند، از سوی دیگر، نوعی قطبیت به‌وجود می‌آورد، گرایشی که در حال حاضر خواستار درهم‌آمیختن شالوده‌های علمی و فنی، ارتباطات فرهنگی و گشودن موقعیت‌هایی برای فعالیت‌های مؤثر جهانی در سراسر فرهنگ ملی است، با خردکردن بیش از اندازه فضای فرهنگی، در تضاد کامل است.

مداخلاتی که توسط نهاد‌های هماهنگ‌کننده ملی متعدد، صورت می‌گیرند، در جست‌وجوی خنثی کردن تأثیرات منفی تقسیم‌بندی اداری به بخش‌های کوچکتر و در عین حال گشوده نگه داشتن راه‌هایی برای ابراز گرایش‌های محلی، هستند.

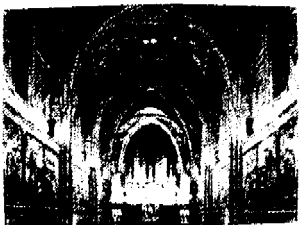
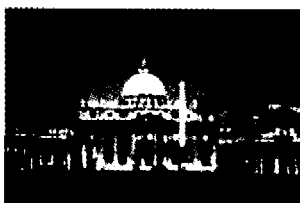
به‌غیر از نهاد‌هایی که در جهت پیشبرد اهداف کلی فعالیت می‌کنند، نهاد دیگری نیز با نام کمیته هماهنگی فرهنگی بین منطقه‌ای، که در سال ۱۹۷۱ تأسیس شده است، نیز به‌طور کامل به هماهنگ‌سازی امور فرهنگی، اختصاص یافته است.

در پاسخ به نیازهای مربوط به گوناگونی منطقه‌ای الگوهای قانونی و سازمانی مختلفی که در بخش‌های مختلف کشور به کار گرفته می‌شود و ناشی از تکرار قوانین خاص منطقه‌ای است، کمیسیون‌ها، انجمن‌ها و کانون‌ها در تلاش برای برطرف کردن نیازهای مربوط به زمینه‌های خاص، هستند. بدون شک، دولت‌های منطقه‌ای با وضع قوانین جدیدی در رابطه با چنین نیازهای حیاتی، تحت عنوان همکاری با بخش‌های دولتی و خصوصی، قصد اعمال نفوذ و یا مطرح نمودن «نظام فرهنگی» خودشان را دارند.

مطالعات کاربردی هنر

۲-۲- امکانات و مؤسسات

الگوهای سازمانی دیگری نیز وجود دارند، کانون‌ها و نهاد‌هایی که در زمینه فرهنگی فعالیت



می‌کنند از قبیل آکادمی‌های مشهور سنتی، دانشگاه‌های خصوصی، مراکز هماهنگی و تحقیقاتی، مؤسسه CINI، به سازماندهی نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و آموزش‌های پیشرفته و... می‌پردازند. بسیاری از این مؤسسات، تحت نظارت بخش خصوصی هستند.

چشم‌اندازهای فرهنگی

پیچیدگی‌های مربوط به توسعه فرهنگی در ایتالیا، منجر به ظهور پدیده‌ای خاص تحت عنوان چشم‌اندازهای فرهنگی شده است. این مؤسسات، همانند واسطه‌ای میان نهادهای متعدد دولتی و گروه‌های دیگر مرتبط با برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و دولت ارشد عمل می‌کنند و کاربردی دو جانبه دارند:

- خدمات مشاوره‌ای برای نهادهای دولتی با در نظر گرفتن تخصیص اعتبار بودجه‌های دولتی و به منظور توجیه سیاست‌های فرهنگی.
 - مطالعه، تحقیق و مراکز ارائه اسناد.
- اهداف عمده چشم‌اندازهای فرهنگی در دستیابی و توضیح و تفسیر اطلاعات، از قرار ذیل است:

- بررسی هزینه‌های بخش دولتی و فراهم نمودن مقتضیات پژوهشی برای تحقق این امر؛ که شامل توسعه مجموعه‌ای از شاخص‌های معتبر، می‌شود.
- پیگیری و تحلیل تأثیرات تصمیم‌گیری‌های اداری بر سطوح مختلف
- گردآوری و انتشار گزارش‌های ترکیبی و ارزیابی‌های مهم آثار سیاست‌های فرهنگی در حوزه‌های مربوط به آن.
- شناساندن هویت دولت فعلی و ایجاد تحول در گرایش‌های موجود در نیازها و اندوخته‌های فرهنگی.
- ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به توسعه فرهنگی و ترکیب اطلاعات گردآوری شده با دانش عملی مربوط به آن، ارائه خدمات سیستم اطلاعاتی به دولت ارشد و قانونگذاران.
- سازماندهی برنامه‌های آموزشی برای متصدیان امور فرهنگی.

۳- ابزارهای سیاست فرهنگی

۱-۳- تأمین سرمایه برای فعالیت‌های فرهنگی

- روند شکل‌گیری مجدد تخصیص بودجه به بخش فرهنگی در دو مسیر ذیل، دنبال می‌شود:
- باز سامان‌کردن تخصیص بودجه، بدان معنا که تلاش مؤثری برای هماهنگ‌سازی ساختن توسعه همه بخش‌ها صورت بگیرد و از ارجحیت فعالیت‌های میراثی، کاسته شود.
 - گسترش احتمالاتی در رابطه با تخصیص بودجه ترکیبی و مشارکت منابع غیردولتی در تأمین بودجه برای نهادهای فرهنگی، یا به عبارتی، تشویق آنها به حمایت و ایجاد ارتباط مستقیم بین سرمایه‌گذاران مستقل بخش خصوصی با دستاوردهای فرهنگی؛ به دلیل ساختار چندوجهی بخش فرهنگی، هرگونه سنجش آماری در رابطه با بودجه مربوط به فرهنگ ایتالیا، بی‌نهایت دشوار است.

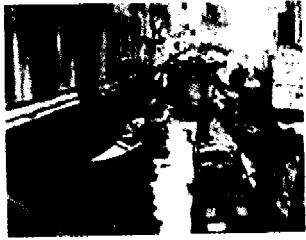
ممکن است این تصور به وجود بیاید که به دلیل ویژگی «منطقه‌ای» بودن سازمان اداری در ایتالیا، باید یک نوع گوناگونی گرایش در سیاست فرهنگی ملی، وجود داشته باشد. با این وجود، در یک نگاه واقع‌بینانه به نحوه تخصیص بودجه، مشخص می‌شود که سیستم دارای برخی ویژگی‌های بارز مرکزیت‌گرایی است، به دلیل اینکه بین پنجاه تا شصت درصد بودجه‌ای که دولت طی ۱۰ سال اخیر به بخش فرهنگ اختصاص داده است، از جانب دولت مرکزی تأمین شده است. پس از آن، با یک ترتیب نزولی، شهرداری‌ها (تأمین ۳۰-۲۵ درصد بودجه) و سازمان‌های منطقه‌ای (تأمین در حدود ۲ درصد بودجه)، مسئول تأمین بودجه بوده‌اند و این در حالی است که ادارات موجود در شهرستان‌ها در تأمین بودجه فرهنگی کاملاً در حاشیه قرار داشته‌اند (تأمین در حدود ۲/۵ درصد بودجه).

بررسی‌هایی که اخیراً پیرامون نحوه توزیع هزینه دولت، که در میان سطوح مختلف اداری به بخش فرهنگ اختصاص داده شده است، صورت گرفته، نشان می‌دهد که شرکت‌های دولت و نهادهای محلی در حال توسعه، کمی کاهش یافته است. اما به منظور اجرای واقعی طرح تمرکززدایی از ساختار هزینه‌هایی که در میان سطوح اداری، پراکنده‌اند، باید در سیستم مالیاتی، یک تجدیدنظر اساسی صورت بگیرد. در عوض برخی تصور می‌کنند که احتمال می‌رود در شیوه مالیاتی فعلی مرکزی، جوامع محلی درآمد خود را با اضافه کردن مالیات و یا جمع‌آوری آن به منظور دستیابی به بودجه‌های ضروری که باید در بخش دولتی مطابق با نیازهای ویژه‌ای که در سطح محلی نیز مشاهده می‌شود، مورد استفاده قرار بگیرد، تأمین و کنترل نمایند.

باید به خاطر داشت که «هزینه‌های واقعی صرف شده برای بخش فرهنگ»، تنها یک‌دهم از کل هزینه‌های مربوط به بخش فرهنگ در ایتالیا را تشکیل می‌دهد، در حالی که بیشتر پولی که برای برنامه‌های فرهنگی، سرمایه‌گذاری شده است، از منابع بخش خصوصی (مصارف فرهنگی، تبلیغات، برپایی و اجرای برنامه‌های فرهنگی) تأمین می‌شود. بنابراین، به‌رغم اینکه قدرت‌های مرکزی باید کماکان کنترل بودجه خود را در اولویت قرار دهند، مبالغ پولی قابل توجهی از فروش محصولات فرهنگی، به سطوح منطقه‌ای و شهرداری‌ها، واریز می‌گردد.

با شروع تحقیقات مربوط به آثار سیاست فرهنگی ایتالیا و نیز کشورهای پیشرفته دیگر در سال ۱۹۸۸، یارانه‌های دولتی کاهش یافت. تلاش‌های مجددی به منظور خنثی کردن عوامل بحران، توسط سازمان‌ها و نهادهای اداری هماهنگ‌کننده و فعالیت‌های آنها صورت گرفت. در عین حالی که اجرای قوانین جدید خاص در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی، در حکم افزایش تخصیص بودجه بخش فرهنگ در دوره قبل بود، این قوانین نتوانسته بودند کاهش بودجه‌ای را که بعد از سال ۱۹۸۸، اتفاق افتاد، جبران نمایند. کاهش بودجه، تأثیراتی در بخش هنرهای اجرایی و نیز دیگر بخش‌ها برجای گذاشت و بازتاب سیاست کاهش هزینه‌ای بود که دولت بعد از بحران مالی بودجه در سال ۱۹۸۹ آن را اجرا کرد. کاهش هزینه‌های کل مربوط به فرهنگ، در سال ۱۹۸۸، ۲۷ درصد، در سال‌های بعد از آن ۲۴ درصد، و در دهه نود، ۹ درصد بود.

کاهش تخصیص بودجه دولت به بخش فرهنگ که هم بر سیستم دولت مرکزی و هم بر سطوح اداری محلی، تأثیراتی به‌جا گذاشت، حاکی از این است که بخش قابل توجهی از ارانه محصولات فرهنگی که پیش از این باید برای فروش، خواه برای ارانه هر چه بیشتر به افراد و



خواه برای جذب سرمایه و بهره‌برداری مالی، به بازار عرضه می‌شد، صرفاً به دلایل اقتصادی صورت گرفته بود.

به همین لحاظ، از ایتالیا به دلیل سرازیر کردن مبالغ پولی قابل توجهی از سرمایه‌گذاران خصوصی، به طرح‌های فرهنگی، در اروپا به‌عنوان کشوری نمونه، یاد می‌شود. در صورت عدم دسترسی به آمار دقیق، می‌توان برای گرفتن یک آمار تقریبی، به نمودارهایی مراجعه کرد که بر طبق ۳۰۰ الی ۴۰۰ میلیون دلار که شرکت‌های سهامی ایتالیایی، به‌طور سالیانه در بخش فرهنگ، هزینه می‌کنند، ترسیم شده‌اند. حداکثر کاهش مالیات سود مشارکت به‌منظور بخشودگی مالیاتی، ۱۲ میلیارد دلار است.

علاوه بر نقش مهم خود دولت ایتالیا در این زمینه، حمایت‌های خودجوش مربوط به مشارکت در زمینه‌های فرهنگ و هنر نیز از ویژگی‌های خاص آن به‌شمار می‌رود. انواع حمایت‌ها در دوران رونق اقتصادی دهه هشتاد به‌شدت افزایش یافت. درست در همان زمانی که سازمان‌های مالی و تجاری ایتالیا، از سود احتمالی اقتصادی که می‌توانست از مشارکت آنها در حمایت و توسعه قالب‌های مختلف فرهنگ ملی، ناشی شود، آگاهی پیدا کردند. دو ابزار قانونی و اصلی در نظر گرفته شد برای ترغیب نهادهای خصوصی، عبارتند از:

● قانون کاهش مالیات سال ۱۹۸۲، برای مبالغ صرف‌شده به‌منظور بازسازی بناهای یادبود و آثار هنری و برپایی نمایشگاه‌ها (بدون هیچ‌گونه محدودیتی در میزان مبالغ صرف شده)

● قانون کاهش مالیات سال ۱۹۸۵، برای محصولات از قبیل فیلم، موسیقی و نمایش، که در اصل به ۲ درصد درآمد مالیاتی تعلق می‌گرفت، اما بعدها تا ۲۰ درصد افزایش یافت.

تناقض موجود میان قوانین مذکور و کم‌بازدهی سازمان‌های اداری، موقعیتی را پدید می‌آورد که در آن، سهامداران خواهان دستیابی به حداکثر سود مشارکت (که اغلب آن را از طریق بازاریابی، ارزیابی کرده و تصور می‌کنند که سود کلانی است)، می‌شوند و تصمیم می‌گیرند که حمایت‌های بیشتر و تبلیغات و ترویج‌های گسترده‌تری، انجام دهند. ابهامات سیستم دولتی در بخش حمایت‌های فرهنگی، بیشتر منحصر به سرمایه‌گذاری‌های فردی است و مبالغ اهدایی آنها، کماکان در حاشیه قرار دارد.

موضوعی که هنوز تعریف دقیقی برای آن یافت نشده است، موضوع هماهنگ‌سازی‌های همه‌جانبه تعاملات میان بخش دولتی و بخش خصوصی است. بدیهی است که اتخاذ یک سیاست مشخص و واضح در رابطه با بنیادگری، مانع از عدم توازن بودجه‌هایی که در حال حاضر برای حمایت‌های محلی در نواحی مشهور می‌شود.

۲-۳- قانونگذاری

به احتمال زیاد، ایتالیا تنها کشور اروپایی است که قوانین زیادی در رابطه با فرهنگ، تصویب کرده است. الگوی تمرکززدایی دولتی در ایتالیا، بازتابی از قانونگذاری فرهنگی و وجود قوانین هم‌راستای منطقه‌ای و ملی است. همزیستی قدرت‌های قانونمند ملی و ناحیه‌ای، مستلزم تمرکززدایی دولتی است، به‌رغم اینکه گاهی هیچ توضیحی برای مسئولیت‌های مربوط به بخش فرهنگ، وجود ندارد.

فعالیت‌های مربوط به میراث فرهنگی، از جمله دستاوردهای فرهنگی، تاریخی و معاصر، از تبصره‌های قانونی، سود سرشاری می‌برند، و قانونگذاری‌های منطقه‌ای فراوانی نیز وجود دارند که موزه‌ها و کتابخانه‌ها را پوشش می‌دهند. حقیقت این است که خود موضوع حفاظت از بناهای یادبود، که با استفاده از قانونی از رده‌خارج و تصویب‌شده در زمان پیش از جنگ، کماکان به فعالیت خود ادامه داده است، با شکست مواجه شده است. قانونی که صرفاً به «مرمت» و «بازسازی» یادمان‌های تاریخی اختصاص یافته است، با شرایط کنونی که هم دولت و هم مملکت، در جست‌وجوی یافتن راه‌کارهایی برای نمایاندن خلاقیت‌های فرهنگی و ترغیب حفاظت از میراث فرهنگی هستند، به هیچ‌وجه تناسب ندارد.

موضوع حق انحصاری چاپ و تکثیر هنرهای زیبا، آثار ادبی و اطلاعات فرهنگی، به‌طور کلی با قانون تصویب‌شده در سال ۱۹۴۳، پوشش داده می‌شود.

قانونگذاری حکومتی برای هنرهای اجرایی، هر دو نوع قانون منطقه‌ای و ملی که به موسیقی و سینما اختصاص یافته و در دهه ۶۰ به تصویب رسید، را شامل می‌شود. قانونی که در سال ۱۹۸۵، به تصویب رسید، در رابطه با تعیین «بودجه ثابت» برای «هنرهای اجرایی» بود. یک قانون جدید هم در سال ۱۹۹۴، برای موزه‌ها به تصویب رسید که به موزه‌ها و دیگر مؤسسات فرهنگی، استقلال قانونی نسبی، عطا کرد. بر طبق این قانون، کلکسیون‌های دولتی باید از طریق انتشارات و مبالغ و ام‌ها، درآمد حداقلی داشته باشند.

۴- سیاست‌های تقسیمات منطقه‌ای

۴-۱- هنرهای اجرایی

فعالیت‌های فرهنگی یکی از سازمان‌های معروف ایتالیا عبارتند از: ترویج نمایش، موسیقی و سینما. این سازمان، سوبسیدهایی را برای برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی، در نظر گرفته است، اما به‌طور مستقیم نمی‌تواند یک مؤسسه خاص را راه‌اندازی کند. این سازمان نظارت و تأمین بودجه ۲۵۰ مؤسسه و گروه اجرایی، از قبیل سالن‌های اپرا و ارکسترهای سمفونی، چندین ارکستر مجلسی مشهور، تئاترهای دایمی دولتی و تئاترهای همیاری‌های غیرانتفاعی، گروه‌های گردشگری، تئاترهای تجاری و... به‌عهده این سازمان می‌باشد.

وزارت سابق جهانگردی و هنرهای اجرایی، در راستای ایجاد مشارکت‌های وسیع‌تر در زمینه هنرهای اجرایی، خواستار تصویب قانون کلی جدیدی در این زمینه بود که این قانون نیز در سال ۱۹۸۵، به تصویب دولت رسید. بر طبق این قانون، سینما، تئاتر و موسیقی به‌عنوان یک کل دارای اتکای متقابل و چهار نوع قانون منطقه‌ای است که تبعیت از آنها، بازتاب روشنی از این دیدگاه است.

در نتیجه تصویب این قانون، «بودجه ثابت» نیز برای هنرهای اجرایی در نظر گرفته شد تا نیازهای روبه‌رشد این بخش هم برطرف شدند؛ در حالی‌که حفاظت از میراث فرهنگی، روزبه‌روز بیشتر به بودجه دولت، وابسته می‌شود.

برخی از مؤسسات و جشنواره‌های دولتی مرتبط با برنامه‌های هنرهای اجرایی نیز وابسته به وزارتخانه هستند:

- مؤسسه تئاتر ایتالیا، مؤسسه‌ای ملی برای ترویج نمایش و مسؤل ۱۲۴ تئاتر در سراسر کشور است.
- کانون نمایش ایتالیا، کانون ملی نمایش باستان، ترویج شیوه‌های اجرای نمایش‌های ایتالیایی و کلاسیک باستان را برعهده دارد.
- جشنواره دومیوندی (Festival dei Due Monde)

۵- صنایع فرهنگی

مشارکت رسانه‌های گروهی و حصول اطمینان از پوشش دادن وسیع و کافی رویدادهای فرهنگی، یکی از بخش‌های شاخص در زندگی فرهنگی ایتالیا است. برخی از تحقیقات اخیر، نشان می‌دهند که وسعت گزارش‌های مربوط به رویدادهای فرهنگی در رادیو، تلویزیون، و به‌ویژه روزنامه‌ها، در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی، از جمله کشورهایی که از الگوهای سیاست فرهنگی فرانسه تبعیت می‌کنند، نسبتاً بیشتر است. روزنامه‌ها و سایر رسانه‌ها، نه تنها رویدادهای فرهنگی را در بخش‌های منظمی پیگیری می‌کنند، بلکه به سازماندهی و برپایی رویدادهای خاص هنری که هم از لحاظ ملی و هم از لحاظ بین‌المللی حائز اهمیت هستند، کمک کرده و به‌طور مستقیم در ترویج و تبلیغ آنها دخالت دارند.

با این وجود، همه بخش‌های فرهنگی از رسانه‌های مذکور، بهره‌برداري نمی‌کنند. تأثیر روزافزون شبکه‌های تلویزیونی در ایتالیا، یکی از عواملی است که احتمال می‌رود تحولی در عملکرد هواداران قالب‌های سنتی فرهنگی، به وجود آورد. مثلاً، سینما یکی از زیرگروه‌های هنرهای اجرایی است که از گسترش بیش از اندازه بینندگان تلویزیونی، بیشترین لطمه را خورده است. در طول دهه هفتاد، بیش از یک چهارم، افرادی که به سینما می‌رفتند، آن را رها کردند. پدیده‌ای که منتسب به آزادخواهی کانال‌های تلویزیونی خصوصی در اواخر دهه هفتاد بود و هیچ محدودیت قانونی در رابطه با فیلم‌هایی که از تلویزیون ایتالیا پخش می‌شد، نداشت.

۶- توسعه فرهنگی

مشارکت در زندگی فرهنگی

شاخص‌های حضوری اجرای تئاتر، اپرا و موسیقی کلاسیک بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵، حاکی از تأثیرگذاری اندک سیاست بر مشارکت‌هایی بود که به تبع تصویب بودجه ثابت برای هنرهای اجرایی، صورت می‌پذیرفتند. بودجه‌هایی که امکان دوبرابر کردن یارانه‌های دولتی را داشتند، به کاهش بهای بلیت کمک کرده و بهای آن را افزایش داده و تماشاچیان بیشتری جلب کردند. از سوی دیگر، بهای بلیت موسیقی‌های مشهور افزایش یافت. در این بخش به‌طور همزمان، یک بحران مادی به وجود آورد. به‌طور کلی، تعداد تماشاچیان در اواخر دهه هشتاد، با جمعیت تماشاچیان دهه ۷۰، یعنی زمانی که یارانه‌ها افزایش یافته و در جهت گرایش‌های مردمی عمل می‌کردند، مطابقت نداشت.

نوآوری‌های مربوط به «مردمی‌سازی» زندگی فرهنگی که در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد وجود داشت، موفقیت خود را در رویدادهای وسیع فرهنگی، که بیشتر در فصل تابستان

برگزار می‌شدند، یافتند و با اجراهای قالب‌های متفاوت هنری، درآمیختند. این زمان، دوره رونق جشنواره‌های فرهنگی بزرگی بود که هفته‌ها به‌طول می‌انجامید و برنامه‌های منتخب (ملی و بین‌المللی) را به‌معرض نمایش می‌گذاشت. چنین رویدادهایی، برای جذب خیل عظیمی از تماشاچیان صورت می‌گرفت. آنها توانستند با جلب رضایت دولت، وظیفه «مردمی‌سازی» خود را به‌خوبی انجام دهند و همزمان با آن با مفهوم «تمرکززدایی» مقابله کنند، به‌این دلیل که جمع کثیری از بینندگان را از نواحی مختلف برای بازدید از مراکز تاریخی شهر، جلب کرده بودند. در پرتو آنچه که در اینجا ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که جوامع ایتالیایی، به‌طور خودجوش، در حال قوت‌بخشیدن به موقعیت نهادهای محلی مسئول در زمینه فرهنگ و تثبیت مجدد اهمیت وجود یک قانون مرکزی است. این همان امری است که پیشتر توسط نهادهای قانونگذار تثبیت گردید، ولی بعدها مشخص شد که تلاش‌های پیگیر برای افزایش ارزش‌های ملی، بیشتر حائز اهمیت است.

۷- مشارکت فرهنگی بین‌المللی

اصلی‌ترین نهاد دولتی که در ایتالیا، به امور فرهنگی بین‌المللی، اختصاص دارد، اداره کل روابط فرهنگی وابسته به وزارت امور خارجه است. این نهاد مسئول هماهنگ‌سازی فعالیت‌های ایتالیا در خارج از کشور است و با سازمان‌های بین‌المللی، ارتباطاتی برقرار می‌کند. وزارت امور خارجه، یک شبکه سراسری به نام مؤسسات فرهنگی ایتالیا در سراسر جهان دارد که اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

- ترویج جنبه‌های مختلف علوم و فرهنگ ایتالیا با حفاظت از کتابخانه‌ها، برپایی نمایشگاه‌ها، نمایش تئاتر، کنسرت‌ها، ترویج محصولات سینماتوگرافی و سخنرانی‌ها.
- مشارکت در زندگی فرهنگی کشورهای خارجی با برگزاری رویدادهای فرهنگی بین‌المللی مشترک.

وزارتخانه، ۸۵ مؤسسه فرهنگی ایتالیایی خارج از کشور را که علاوه بر ایجاد امکان زبان‌آموزی، به‌عنوان نقاط کانونی و مهمی برای ترویج فرهنگ ایتالیا به‌شمار می‌روند را اداره می‌کند. در سال ۱۹۹۰، برای نخستین‌بار برداشت کلی از ارتباط فرهنگی ایتالیا با کشورهای خارجی که به‌واسطه یک حوزه جدید در زمینه ترویج فرهنگ ایتالیا در خارج از کشور، ایجاد شده بود، پدید آمد.

ایتالیا با ۳۵ کشور اروپایی و غیراروپایی توافقنامه‌های دوجانبه‌ای که همه جنبه‌های مختلف فرهنگی مانند رویدادهای فرهنگی، ایجاد مراکز فرهنگی، مشارکت میان مؤسسات فرهنگی و دانشگاه‌ها، مبادله افراد متخصص، اشاعه دوجانبه زبان‌آموزی، عضویت، تبادل انتشارات و مشارکت در تحقیقات باستان‌شناسی را شامل می‌شد، به امضا رسانید.

مؤسساتی نیز وجود دارند که به انجمن‌های اروپایی حاضر در ایتالیا وابسته بوده و به مشارکت‌های فرهنگی اختصاص یافته‌اند، مانند مؤسسه دانشگاهی اروپاییان در فلورانس و مرکز مطالعات پیشرفته اروپاییان در اربینو (urbino).

منبع: www.Culturelink.org

کره

مقدمه: جمهوری کره به مثابه یک جامعه همگن، تاریخی ۵۰۰۰ ساله دارد. کره شبه جزیره ای در شرق دور آسیا است و بخش جنوبی آن در اقیانوس آرام واقع شده است. قلمرو کشور شامل حدوداً ۳۴۰۰ جزیره و وابسته است و از شمال با کشورهای چین و روسیه و از سمت دریای شرق به ژاپن محدود می شود.

کره از سال ۱۹۴۸، یعنی سه سال پس از آن که کشور از اشغال ۳۶ ساله استعمار ژاپن آزاد شد به دو بخش جنوبی و شمالی تقسیم شد. کشور بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ درگیر جنگ های داخلی بود که سرانجام منجر به جدایی دو کره شد. کره جنوبی (که از این پس در این مقاله از آن به عنوان کره یاد می شود) از اوایل دهه ۱۹۶۰ از ویرانه های جنگ کره سر بر آورد. کشور با اتکا به برنامه های رشد اقتصادی تحت نظارت دولت، موفق شده است از سال ۱۹۶۵ تا کنون به نرخ رشد متوسط سالیانه ۸/۵٪ دست یابد. صنایع کشور حال در بازارهای صنایع سنگین و خودروسازی جهان با کشورهای توسعه یافته رقابت می کند. کره در سال ۱۹۹۷ به عضویت کشورهای «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» (OECD) درآمد.



سیاست های فرهنگی

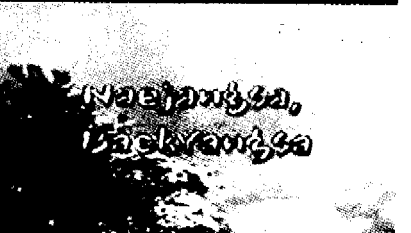
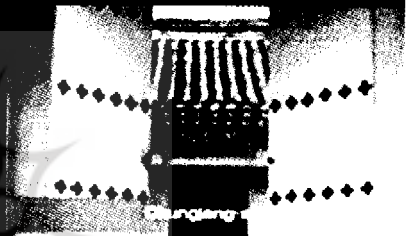
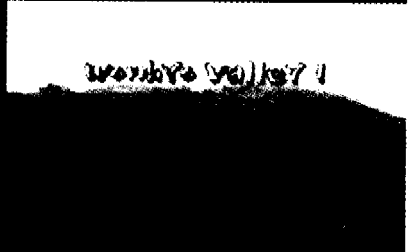
سیاست های فرهنگی کره عموماً و اساساً در دولت مرکزی تدوین می شود، با این حال اداره رسمی که متولی این امور بوده نام های متفاوتی داشته است. وزارت اطلاع رسانی (از سال ۱۹۴۸)، وزارت اطلاعات عمومی (۱۹۶۱)، وزارت فرهنگ و اطلاع رسانی (۱۹۶۸)، وزارت فرهنگ (۱۹۹۰)، وزارت فرهنگ و ورزش (۱۹۹۳) و در حال حاضر وزارت فرهنگ و گردشگری.

وزارت فرهنگ و گردشگری، نهاد اصلی عهده دار سیاست های فرهنگ ملی در داخل کشور است و در زمینه ورزش، امور جوانان، گردشگری، ارتباطات و سایر بخش های مرتبط فعال است. سایر وزارتخانه ها همچون وزارت امور خارجه، وزارت صنایع و انرژی، وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت اطلاع رسانی و ارتباطات، وزارت آموزش، وزارت بهداشت و رفاه نیز نقش مکمل را در توسعه فرهنگی ایفا می کنند. علاوه بر این وزارتخانه ها، «بنیاد فرهنگ و هنر کره»، که از جمله مؤسسات مالی دولتی است، مسئولیت حمایت از رشد و توسعه فعالیت های فرهنگی و هنری کشور را بر عهده دارد.

از سال ۱۹۹۵ که طرح نظام دولت محلی تثبیت شد، دولت های محلی در تدوین و اجرای سیاست های فرهنگی و ساختارهای اداری خود برای تربیت و ترویج فرهنگ بومی که معرف ارزش ها و نیازهای جامعه باشد، نقش فعالی داشته اند. وزارت فرهنگ و گردشگری اخیراً ایده «رفاه فرهنگی» را با هدف تأکید بر نیاز فرهنگی مردم و تأمین حقوق فرهنگی آنان به طور رسمی اعلان کرده است.

این وزارتخانه با پی بردن به اهمیت روزافزون فرهنگ برای توسعه کشور، تحت شعار قرن جدید در خدمت فرهنگ «برنامه ای تحت عنوان «ویرایش فرهنگی ۲۰۰۰» به منظور صورت بندی سیاست و الگوی نوین فرهنگی برای هزاره جدید معرفی کرد. هدف این برنامه

فصلنامه هنر شماره پنجاه و هشت



Naehangsa,
Baekhangsa

فراهم کردن امکان دسترسی عادلانه و همگانی مردم برای مشارکت در حیات فرهنگی جامعه در سطح گسترده است.

اهداف کلی سیاست‌های فرهنگی کره

مردم کره به میراث فرهنگی خود بسیار افتخار می‌کنند و غنا و ارزش میراث فرهنگی خود را به خوبی می‌شناسند و آن را همچون تمهیدی برای فائق آمدن بر جدایی سیاسی، ملت کره و نیز اساسی برای توسعه بیشتر در آینده کشور می‌دانند.

کره از اوایل دهه ۱۹۶۰ به سرعت صنعتی شد. از سال ۱۹۹۶ اقتصاد کره رشد چشمگیری داشت و رتبه یازدهم GDP در دنیا را به خود اختصاص داد. با این حال رشد سریع اقتصادی برخی پیامدهای منفی نیز داشته است: پیامدهایی چون از بین رفتن ارزش‌های سنتی و همگن شدن ساختار اجتماعی اقتصادی و غیره. ظهور این گرایش‌های جدید در سیاست فرهنگی کره نیز همین شناخت و آگاهی را بازتاب می‌دهد. درک و شناخت «کیفیت زندگی» یک موضوع حیاتی در حال رشد در صورت‌بندی سیاست فرهنگی ملت است. این به ویژه از ظهور دولت شهری در سال ۱۹۹۲ مورد ملاحظه قرار گرفت.

دولت فعلی «برنامه پنج ساله فرهنگ نوین کره» را با هدف فراهم کردن «شرایط رفاه فرهنگی» به اجرا درآورده است. مطابق با این برنامه تمامی آحاد مردم جامعه باید بتوانند به یکسان از مواهب فرهنگی بهره ببرند. این برنامه مفاهیم جدیدی را بر اساس تغییر اولویت از کنترل و نظارت به خودمختاری، از مرکز به منطقه، از خالق به مخاطب مطرح کرد. در سال ۱۹۹۶ برنامه «چشم‌انداز کیفیت زندگی و جهانی شدن» از سوی دولت مورد توجه قرار گرفت.

وزارت فرهنگ و ورزش در سال ۱۹۹۷ راهبردی را برای سیاست‌های فرهنگی آتی کشور مشخص کرد. این راهبرد بر گزارشی تحت عنوان «چشم‌انداز فرهنگی ۲۰۰۰» مبتنی بود که از سوی «کمیته چشم‌انداز فرهنگی ۲۰۰۰» تقدیم شده بود. این گزارش تصریح می‌کند که فرهنگ به عنوان یک ارزش محوری نقش مهمی در قرن بیست و یکم ایفا می‌کند و بر همین اساس بر نیاز به یک الگوی فرهنگی نوین تأکید می‌ورزد. وزارتخانه چند هدف خاص را به شرح زیر در دستور کار خود قرار داد:

۱- تقویت آموزش فرهنگی برای پرورش اعضای خلاق در جامعه، گسترش حمایت‌های دولتی از فعالیت‌های هنری که پیشرفت اقتصادی را تقویت کند.

۲- حفظ و نوسازی میراث فرهنگی

۳- تبلیغ و ترویج صنایع فرهنگی

۴- تثبیت هویت فرهنگ ملی به هنگام اتحاد مجدد دو کره

۵- تقویت دیپلماسی فرهنگی

ساختارهای اداری و نهادی

در سطح ملی

«وزارت فرهنگ و گردشگری» در سال ۱۹۹۸ بعد از آنکه دولت جدید بر سر کار آمد

تأسیس شد. مأموریت اصلی این وزارتخانه ارائه امکانات برای عموم مردم به منظور بهره‌گیری از فعالیت‌های فرهنگی و آماده‌سازی ملت برای اتحاد مجدد بود. علاوه بر این دستیابی به نقش و جایگاه شاخص‌تر در جامعه بین‌المللی نیز از اولویت‌های اهداف این وزارتخانه بود.

وزارت فرهنگ و گردشگری مسئولیت ترویج و حمایت از آموزش‌های فرهنگی، فعالیت‌های هنری، صنایع فرهنگی، امور مذهبی، حفظ و احیاء میراث فرهنگی، حفظ و مرمت مکان‌های تاریخی و گنجینه‌های طبیعی، امور جوانان، گردشگری، ورزش، زبان و مبادلات فرهنگی بین‌المللی را برعهده دارد. وزارتخانه شالم یک بخش، دو سازمان و شش اداره است:

۱- بخش خدمات عمومی

۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

۳- سازمان امور دینی

۴- اداره فرهنگی

۵- اداره هنری

۶- اداره صنایع فرهنگی

۷- اداره سیاست‌های گردشگری

۸- اداره سیاست‌های ورزشی

۹- اداره سیاست‌های امور جوانان

علاوه بر این ارگان‌ها، برخی سازمان‌ها و نهادها نیز به وزارتخانه وابسته هستند مانند «اداره املاک فرهنگی»، «فرهنگستان ملی هنر»، «دانشگاه ملی هنر کره»، «فرهنگستان ملی زبان کره»، «کتابخانه ملی»، «تئاتر ملی»، «موزه ملی هنرهای معاصر»، «مرکز ملی هنرهای نمایشی کره»، «موزه ملی هنرهای عامه» و غیره.

«بنیاد فرهنگ و هنر کره» در سال ۱۹۷۳ به استناد قانون اشاعه فرهنگ و هنر تأسیس شد. این بنیاد به عنوان یک مؤسسه مالی در سطح ملی در تلاش است از طریق حمایت از فعالیت‌های مختلف فرهنگی و هنرمندان به بهبود کیفیت زندگی فرهنگی یاری رساند. این بنیاد از تحقیقات و فعالیت‌های خلاقه در حوزه ادبیات، هنرهای زیبا، عکاسی، معماری، موسیقی سنتی، نمایشی، فیلم، تفریحات، انتشارات و... حمایت می‌کند. بودجه سالانه که در سال ۱۹۹۷ به بنیاد اختصاص داده شد بالغ بر ۵۰ میلیارد وُن (حدوداً معادل ۵۳ میلیون دلار) بود، که از آن برای هزینه کردن کمک‌های مالی به هنرمندان حرفه‌ای، تولیدکنندگان و سازمان‌های هنری استفاده می‌شود. یکی دیگر از وظایف مهم بنیاد، مدیریت بنیاد ترویج فرهنگ و هنر در کنار انجام اقدامات لازم برای افزایش اعتبارات مربوطه است.

هدف فرهنگستان ملی هنر مشارکت در آفرینش و توسعه فرهنگ ملی از طریق تضمین آزادی بیان هنری و حمایت از جایگاه و شأن هنرمندان است. این فرهنگستان متولی برگزاری نمایشگاه‌ها، سخنرانی‌ها و سمینارهای مختلف توسط اعضای فرهنگستان و نیز برگزاری سمپوزیوم‌های بین‌المللی هنری است.

از سال ۱۹۹۵ که نظام مناطق خودمختار (براساس تفویض اختیار به مناطق) مطرح شد، مسئولیت امور فرهنگی بین دولت مرکزی و منطقه‌ای تقسیم شده است. در حال حاضر گرایش رایج بر این اساس است که کمک‌های تشویقی استانی به صورت مستقل اعطا شود و تسهیلات فرهنگی استانی همچون مراکز نمایشی، کتابخانه‌ها و مجتمع‌های صنایع فرهنگی از طریق اعتبارات مالی استانی ساخت شوند. در سال ۱۹۹۴ کل هزینه‌های فرهنگی استانی بالغ بر ۱۰۲/۵ میلیارد وُن (معدل ۱۳۰ میلیون دلار) بود. بسیاری از ادارات دولتی استان در حال حاضر در حال کار بر روی آئین‌نامه‌های فرهنگی خود هستند.

ابزارهای سیاست فرهنگی

سرمایه‌گذاری برای فعالیت‌های فرهنگی

فرهنگ واجد یک بخش اقتصادی پویا است که به طور مستقیم و غیرمستقیم در اقتصاد ملی کشور کره نقش دارد. تحقیقی که از وضعیت موجود فرهنگی انجام شد و نیز اجرای سیاست حمایت از صادرات صنایع فرهنگی که در سال ۱۹۹۴ انجام شد، آشکار ساخت که فرهنگ تأثیر مهم اقتصادی دارد. این تأثیر در حوزه تولید ۲/۸٪، در حوزه اشتغال‌زایی ۳/۲٪ بوده و ارزش افزوده‌ای معادل ۲/۵٪ داشته است. مجموع سهم بخش صنایع فرهنگی در کل اقتصاد کشور بالغ بر ۰/۹٪ بوده است.

حمایت‌های مالی از فعالیت‌های هنری و فرهنگی از سوی هر دو بخش دولتی و خصوصی انجام می‌شود. منبع اصلی حمایت مالی در بخش عمومی دولت مرکزی ادارات و محلی و «بنیاد فرهنگ و هنر» است و در بخش خصوصی و شرکت‌های عضو شورای هنر تجارت کره (KBCA) هستند.

در سال ۱۹۹۷ بودجه فرهنگ و هنر در دولت مرکزی ۴۳۷/۳ میلیارد وُن (معادل ۴۵۹ میلیون دلار) برابر با ۰/۶۲٪ کل بودجه دولت بود. بودجه فرهنگ ادارات دولتی استانی در سال ۱۹۹۶ از رقم ۱/۷۵٪ در سال ۱۹۹۵ به ۱/۸۶٪ افزایش یافت.

کل مقدار اعتباری که از طریق بنیاد اشاعه فرهنگ و هنر کره تا سال ۱۹۹۷ اختصاص یافت، بالغ بر ۲۷۲/۶ میلیارد وُن (معادل ۲۸۶ میلیون دلار) بود که از این میان ۱۳۱ میلیون دلار از بودجه ملی و ۶۸ میلیون دلار از صندوق پولی عموم (KOBACO) هزینه شد.

شورای هنر تجارت کره (KBCA) در سال ۱۹۹۴ شکل گرفت و از جمله نهادهای مالی است که از فعالیت‌های فرهنگی در سطح خصوصی حمایت می‌کند. این شورا در حال حاضر ۱۶۱ عضو وابسته با بودجه سالانه ۷۰۰ میلیون وُن (حدوداً معادل ۰/۷ میلیون دلار) دارد. کل کمک‌های مالی که از سوی شرکت‌های عضو این شورا اختصاص یافت به ترتیب به قرار زیر بود:

سال ۱۹۹۴	۷۲/۹ میلیارد وُن (معادل ۹۲/۴ میلیون دلار)
سال ۱۹۹۵	۹۲/۶ میلیارد وُن (معادل ۱۱۹/۵ میلیون دلار)
سال ۱۹۹۶	۱۱۷/۸ میلیارد وُن (معادل ۱۴۶/۳ میلیون دلار)

اعتباراتی که برای سرمایه‌گذاری در زمینه اقدامات زیربنایی فرهنگی همچون ساخت کتابخانه، مراکز فرهنگی و موزه اختصاص یافت بالغ بر ۴۲/۳ میلیارد وُن (معادل ۵۲/۵ میلیون

دلار) بود که مقدار ۳۶٪ کل مبلغ به مصرف رسیده است. در سال ۱۹۹۶، حدود ۴۵٪ از هزینه‌های مصروف بخش فرهنگی این شورا، بر روی پروژه‌های فرهنگی خود اختصاص یافت و ۳۰٪ اعتبارات به حمایت از فعالیت‌های هنری شاکل تجسمی، موسیقی، نمایش، ادبیات و غیره اختصاص یافت.

بخش‌های سیاست فرهنگی

در «قانون اشاعه فرهنگ و هنر کره» ادبیات، هنرهای زیبا، موسیقی، حرکت موزون، نمایش، سینما، تفریحات، موسیقی سنتی، عکاسی، زبان و انتشارات به عنوان فعالیت‌های فرهنگی و هنری تعریف شده است. براساس این تعریف، سیاست فرهنگی مستقل برای هر بخش مشخص شده است.

میراث فرهنگی

یکی از مسئولیت‌های اصلی وزارت فرهنگ و ورزش، حفاظت از میراث فرهنگی ملت است. بخش قابل توجهی از بودجه برای حمایت و نگهداری از موزه‌ها و پارک‌های ملی، کتابخانه‌ها، آرشیوهای ملی، دارایی‌های محسوس نامحسوس فرهنگی و حفاظت از محیط‌ها و مکان‌های ملی در معرض خطر اختصاص می‌یابد. در سال ۱۹۹۶ مجموع موزه‌های فعال در کشور کره بالغ بر ۱۸۲ واحد بود. از این میان ۲۳ موزه اصلی ملی همچون موزه تاریخ، هنر، علم، هنرهای عامه، پست و راه آهن تحت مسئولیت مستقیم دولت مرکزی اداره می‌شوند. مسئولیت دارایی‌های فرهنگی همچون نوسازی بناهای تاریخی، بر عهده «اداره دارایی‌های فرهنگی» است. وظیفه اصلی اداره دارایی‌های فرهنگی حفظ میراث فرهنگی و انجام اقدامات لازم همچون مدیریت، تحقیق، کاوش، مرمت بقایای فرهنگی، مبادلات بین‌المللی دارایی‌های فرهنگی است. این اداره همچنین کارشناسایی و ثبت میراث فرهنگی را بر عهده دارد. در سال ۱۹۹۵ تعداد دارایی‌های فرهنگی که به صورت رسمی توسط اداره شناسایی شده است جمعاً بالغ بر ۲۵۱۴ است که شامل ۲۸۶ گنجینه ملی و ۲۲۸ گنجینه است. همچنین بالغ بر ۲۹۲۹ دارایی فرهنگی توسط ادارات دولتی استانی مشخص شده است.

آموزش و تربیت فرهنگی

آموزش فرهنگی در کره در کلیه مدارس عمومی از ابتدا تا انتهای دوره‌های سه‌گانه آموزش عمومی ارائه می‌شود. دولت در مدارس آموزش عمومی تسهیلات لازم را برای آفرینش و تحسین آثار هنری فراهم می‌سازند. همچنین نهادهای مختلف آموزش بلندمدت همگانی، امکان بهره‌گیری عموم را از تربیت فرهنگی پدید می‌آورند و از این رو شرایط لازم برای بروز آفرینش‌های هنری مهیا می‌سازند.

آموزش تخصصی هنر در سطح دوره‌های عالی بعد از طی دوره‌های سه‌گانه آموزش عمومی انجام می‌شود. براساس آمارهای مربوط به سال ۱۹۹۵، حدوداً ۲۲۵ کالج بزرگ مرتبط با موضوعات هنری و ۳۵۷ دانشگاه و بالغ بر ۱۱۹/۱۷۸ دانشجوی متخصص در رشته‌های هنری با

شمار متوسط ۳۹/۲۸۰ دانش آموخته در سال وجود دارند. در سال‌های اخیر تعداد آموزش‌های دوره‌ای رسانه‌های تصویری (فیلم و تلویزیون) و مطالعات صنایع فرهنگی افزایش چشمگیری داشته است.

«مؤسسه ملی هنر کره» در پاسخ به گرایش و علاقه روزافزون به هنر، در سال ۱۹۹۱ تأسیس شد. این مؤسسه تلاش دارد تا آموزش نظام‌مند را برای جوانان مستعد و خلاق هنری فراهم سازد تا نسل جدیدی از هنرمندان متخصص را تربیت کند. این مؤسسه شامل یک مدرسه موسیقی، مدرسه نمایش، مدرسه فیلم، ویدئو و رسانه‌های پیشرفته و مدرسه هنرهای تجسمی است.

هنرهای اجرایی

در حال حاضر ۲۷۶ مکان مختلف برای عرضه هنرهای اجرایی در کشور کره وجود دارد: ۴۴ مجتمع هنری، ۸۹ تالار عمومی، ۱۳۳ تالار نمایش کوچک، ۲۵۴ سینما و ۴۹۵ سالن تئاتر کوچک. براساس کتاب سال فرهنگ و هنر کره در سال ۱۹۹۶، تعداد اجراهای انجام شده به ترتیب عبارت بودند از: ۱۳۸۰ اجرای موسیقی سنتی، ۳۱۹۳ موسیقی کلاسیک غربی، ۱۸۵۰ نمایش.

رویدادهای بزرگ هنری در کره در حوزه هنرهای اجرایی بسیار متنوع‌اند. برخی از آنها عبارتند از: جشنواره نمایش سنول، جشنواره نمایش کره، جشنواره حرکات موزون سنول، جشنواره حرکات موزون کره، جشنواره موسیقی سنول، جایزه آهنگساز از کره، جشنواره هنرهای سنتی کره، جشنواره ارکستر سنتی کره، مسابقه موسیقی فولکور کره، و چندین رویداد هنری استانی.

«تئاتر ملی» در سال ۱۹۵۰ با هدف حفظ فرم‌های سنتی اجرا نمایش و حمایت از اجراهای معاصر تأسیس شد. این نهاد دارای ۷ مرکز است: مرکز ملی نمایش، مرکز ملی چانگکوک، مرکز ملی حرکت موزون، مرکز ملی باله، مرکز ملی کر و مرکز ملی اپرا.

مرکز ملی هنرهای اجرایی سنتی کره، یکی از مراکز اصلی تحقیق و حفظ موسیقی سنتی و آلات موسیقی سنتی است. در این مرکز در زمینه بهبود و بهسازی آلات موسیقی سنتی و فرم‌های سنتی نت نویسی موسیقی تحقیق و پژوهش می‌شود. این مرکز همچنین آثار مکتوب موسیقی سنتی، مقالات تحقیقی و دیگر کتب مرجع در زمینه موسیقی را به چاپ می‌رساند. مرکز ملی هنرهای اجرایی سنتی کره محل مهمی برای عرضه اجراهای مختلف سنتی برای عموم است: برگزاری بالغ بر ۸۰ اجرای منظم موسیقی، کنسرت یکشنبه، اجرای موسیقی توسط گروه‌های سیار در مناطق فاقد تسهیلات فرهنگی و اعزام گروه‌های موسیقی به خارج از کشور از فعالیت‌های این مرکز است. این مرکز همچنین در مراسم آیینی موسیقی در معبد سلطنتی نیاکان و معبد کفوسیوس با حضور گروه‌های شهری موسیقی و حرکت موزون مشارکت فعال دارد.

آموزش موسیقی و حرکات موزون سنتی، آیینی کره یکی از وظایف مهم و اصلی مرکز است و به صورت برنامه‌های مختلف به شرح زیر انجام می‌شود: برگزاری دوره‌های سه هفته‌ای برای مبتدیان موسیقی و حرکات موزون سنتی، دوره پیشرفته یکساله برای بازی، نواختن آلات

موسیقی سنتی، دوره‌ای برای دبیران و دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و برگزاری اردوهای آموزشی به دیگر مناطق کشور.

«مرکز هنر سنول» یک مجتمع جامع هنری است که میعادگاهی را برای هنرمندان و دست‌آوردان هنر فراهم می‌سازد و بدین ترتیب نقش مهمی در آفرینش و توسعه فرهنگی ملی ایفا می‌کند. این مرکز در سال ۱۹۸۸ گشایش یافت و تاکنون پذیرای بالغ بر ۱۰ میلیون مخاطب، یعنی به طور متوسط سالانه یک میلیون نفر بوده است. این مرکز شامل تالار کنسرت، تالار جشنواره (تالار اپرا، تالار نمایش، تالار شوهای تجربی)، گالری هنرهای تجسمی، کتابخانه هنری، تالار خوشنویسی و پارک فرهنگی است. این مرکز عملاً تمامی شکل‌های هنرهای اجرایی را از ارکستر سمفونیک غربی تا اجراهای نمایشی کودکان را پوشش می‌دهد. این مرکز مسئولیت برگزاری رویدادهای مهم هنری را بر عهده دارد از جمله برگزاری جشنواره موسیقی ارکستری، جشنواره موسیقی مجلسی، جشنواره موسیقی pan، کنسرت تصنیفات جدید کره‌ای در دو زمینه موسیقی سنتی کره و موسیقی غربی. یک کنسرت مسابقه‌ای اجرایی و یک جشنواره بین‌المللی گروه‌های همخوان (کُر). این مرکز همچنین برنامه‌ای برای حمایت و اشاعه آهنگسازی و تصنیف در دستور کار خود دارد.

هنرهای تجسمی

در مجموع ۳۲ موزه هنری در کشور کره وجود دارد (۱۹۹۷) شامل یک موزه ملی، چهار موزه عمومی و ۲۶ موزه خصوصی. همچنین ۲۶۵ نمایشگاه هنری و ۳۳۷ گالری خصوصی در سرتاسر کشور موجود است.

سالانه یک مسابقه ملی در حوزه نقاشی، صنایع دستی، معماری و عکاسی برگزار می‌شود (مسابقه بزرگ هنری کره، نمایشگاه صنایع دستی کره، مسابقه بزرگ معماران کره و نمایشگاه عکس): این مسابقات برای تشویق و تربیت هنرمندان حرفه‌ای برنامه‌ریزی و برگزار می‌گردند. این نمایشگاه‌ها همچنین با هدف آگاه ساختن عموم نسبت به هنرهای تجسمی برپا می‌شوند. «بنیاد فرهنگ و هنر کره» (KCAF) در سال ۱۹۹۶ در مجموع بالغ بر ۴۶۰ میلیون وُن (معادل ۰/۶ میلیون دلار) برای حمایت از ۹۶ پروژه در حوزه‌های مختلف هنرهای تجسمی پرداخت کرده است. موزه ملی هنرهای معاصر از مراکز مهم و شاخص در فراهم کردن دسترسی عموم به گرایش‌های رایج ملی و بین‌المللی در هنرهای معاصر است. این موزه به طور منظم آثار هنری را گردآوری و نگهداری می‌کند و نقش فعالی در معرفی هنر کره به سایر کشورها دارد. علاوه بر این آثار هنری کشورهای خارجی را نیز از طریق مبادله آثار بین موزه‌های سرتاسر جهان وارد و در معرض دید عموم قرار می‌دهد.

پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در زمینه فرهنگ و هنر

به منظور پاسخگویی به شناخت اهمیت اطلاع‌رسانی نظام‌مند، اخیراً چندین اقدام قانونی توسط دولت مرکزی انجام شده است. در اگوست سال ۱۹۹۵ «قانون تمرکز اطلاعات» به تصویب رسید و «کمیته تمرکز اطلاعات» به ریاست نخست‌وزیر در آوریل سال ۱۹۹۴ تشکیل

شد. به دنبال این اقدام فراخوان دولت مبنی بر یک برنامه برای حمایت از تمرکز اطلاعات، در ژوئن سال ۱۹۹۶ داده شد.

در سال ۱۹۹۶ «برنامه تمرکز اطلاعات فرهنگی» به عنوان بخشی از این برنامه، با یک جدول زمان‌بندی شده سه مرحله‌ای تدوین شد. دوره نخست (۹۷-۱۹۹۵)، دوم (۲۰۰۰-۱۹۹۸) و سوم (۲۰۰۱-۲۰۰۰) بانک‌های اطلاعاتی که تا سال ۱۹۹۷ تکمیل شد عبارت بودند از سیستم بانک اطلاعات دارایی‌های فرهنگی، سیستم بانک اطلاعات کتابخانه‌ای، سیستم بانک اطلاعات موزه‌ای و سیستم بانک اطلاعات هنری. بانک اطلاعاتی شامل حدوداً ۳۳۰۰ عنوان درباره گنجینه‌های ملی، گنجینه‌ها و بناهای تاریخی به صورت ملی و بین‌المللی است که به صورت رسانه‌های مختلف (اطلاعات نوشتاری، عکس، صوتی) در سیستم بانک اطلاعاتی دارایی‌های فرهنگ وجود دارد و همچنین ۴۰۰۰ عنوان در سیستم مدیریت اطلاعات دارایی‌های عمومی فرهنگی، است. ۱۰۰۰ عنوان از مجموعه موزه ملی در سیستم بانک اطلاعاتی موزه‌ای وجود دارد. سیستم بانک اطلاعاتی کتابخانه‌ای با ۹ کتابخانه بزرگ به صورت الکترونیکی شبکه شده است و در تلاش برای تهیه فهرست جامع کتاب‌های مرجع ملی و استاندارد کردن مدیریت اطلاعات است. بانک اطلاعاتی موزه‌ای شامل ۱۰۰۰ موضوع درباره آثار جمع‌آوری شده موزه، ۱۲۰۰ موضوع درباره هنرمندان و نیز اطلاعات مربوط به رویدادهای نمایشگاهی، راهنمای موزه و غیره است. سیستم بانک اطلاعاتی هنرمندان، پایگاه اطلاعاتی در زمینه فیلم، نمایش، موسیقی سنتی و هنرهای تجسمی ساخته است.

صنایع فرهنگی

قانون حمایت از فرهنگ و هنر تصریح می‌کند صنایع فرهنگی، چیزی است که به واسطه آن آثار فرهنگی، هنری و خلاقه به عنوان کالای تجاری تولید و به نمایش درمی‌آید و توزیع می‌شود. اداره صنایع فرهنگی در سال ۱۹۹۴ در وزارت فرهنگ و ورزش تأسیس شد. این اداره با اتکاب به شناخت که صنایع فرهنگی بخش مهمی از حیات جامعه است و زیربنایی را برای فعالیت‌های جامعه فراهم می‌سازد و لذا باید در سطح دولت بدان پرداخته شود، فعالیت خود را به انجام می‌رساند.

عدم تعادل بین محصولات وارداتی و محصولات داخلی در حوزه صنایع فرهنگی آن چنان بارز و آشکار است که دولت را واداشته سیاستی برای پاسخگویی به این مشکل صورت‌بندی کند. بازاری که در آن محصولات خارجی در حوزه انیمیشن، ویدئو و فیلم غالب است و بیش از ۸۰٪ آن را اشغال می‌کند، منجر به کسری تجاری قابل توجه ۳۳۰ میلیون دلاری در سال ۱۹۹۵ شد (به جز بازار انیمیشن). نرخ واردات و بهره‌گیری از آثار انیمیشن خارجی در بازار داخلی حدوداً ۹۳/۴٪ است.

بازار صنایع فرهنگی ۰/۹٪ GNP در اقتصاد کره به حساب می‌آید و ۱/۲٪ در بازار جهانی را در اختیار دارد. صنایع فرهنگی کره معدل ۱/۳٪ در بازار صنایع فرهنگی جهان مشارکت دارد که سهم کره به تفکیک عبارت است در انیمیشن ۸/۱٪، صنایع نمایشی ۵٪، فیلم ۰/۴٪ و ویدئو ۱۰/۵٪. صنایع فرهنگی خارجی که بازار داخلی را در اختیار دارد بیش از ۸۰٪ در

محدوده فیلم و انیمیشن است. این آمار سهم قابل توجهی از کسری موازنه تجارت کشور را تشکیل می‌دهد.

توسعه فرهنگی

دولت کره در تلاش است با تدوین برنامه‌های متعدد فرهنگی که با اتکا به سیاست‌های فرهنگی کوتاه‌مدت و درازمدت انجام می‌شود، در توسعه فرهنگی کشور مشارکت داشته باشد. این برنامه‌ها با استناد به گزارشات مختلفی که توسط برخی از کمیسیون‌های تخصصی ارائه می‌شود، تدوین و تنظیم می‌شود. این برنامه‌ها عبارتند از:

۱- برنامه پنج ساله توسعه فرهنگی (۱۹۷۸-۱۹۷۴)

۲- برنامه پنج ساله توسعه فرهنگی (۱۹۸۳-۱۹۷۹)

۳- سیاست نوین فرهنگی (۱۹۸۶-۱۹۸۲)

۴- برنامه دهساله سیاست فرهنگی (۱۹۹۹-۱۹۹۰)

۵- برنامه پنج ساله حمایت فرهنگی (۱۹۹۷-۱۹۹۳)

۶- برنامه تحقق رفاه فرهنگی (۲۰۱۰-۱۹۹۶)

وضعیت مصرف فرهنگی کره به قرار زیر است:

در سال ۱۹۹۷ کسانی که بیش از یکبار در سال به مراکز هنرهای اجرایی، نمایشگاه‌ها و استودیوم‌های ورزشی مراجعه کرده‌اند تعدادی بالغ بر ۴۴٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند. از این تعداد ۳۳/۵٪ به مراکز هنرهای اجرایی از جمله سینماها مراجعه کرده‌اند، ۱۶٪ به نمایشگاه‌ها و از جمله به موزه‌ها و گالری‌های هنری و ۱۷٪ به استودیوم‌های ورزشی مراجعه کرده‌اند. استفاده از سینما با ۴/۹٪ مراجعه کننده بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و پس از آن استودیوم‌ها با ۳/۲٪ و گالری‌ها با ۲/۱٪ قرار دارد.

در سال ۱۹۹۶ آمار نشان داد که خوانندگان کتاب، ۶۳/۵٪ از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند. متوسط تعداد کتاب‌های خواننده شده ۱۶/۱ جلد بود که به تفکیک شامل ۵/۱ مجلات، ۴/۷ نشریات کارتونی و نظیر آن و کتاب‌های عمومی فرهنگی. در همین سال آمار نشان می‌دهد، ۷۲/۲ درصد از جمعیت بالای پانزده سال روزنامه مطالعه می‌کنند و جالب‌ترین بخش از نظر مردم به ترتیب موضوعات زیر بود: اقتصاد، فرهنگ، ورزش، مطالب اجتماعی و مطالب سیاسی. در مورد برنامه‌های تلویزیون نیز نمایش‌های خانوادگی با ۳۷/۱٪ بیشترین مخاطبین را داشت و به دنبال آن برنامه‌های خبری با ۳۲/۸٪، برنامه‌های تفریحی با ۱۱/۵٪ و ورزشی با ۸/۹٪ قرار داشت. ۲۲/۱٪ بینندگان از برنامه‌های تلویزیون اظهار رضایت می‌کردند، ۵۴/۱٪ نه راضی بودند و ناراضی و ۵۴/۱٪ اساساً از برنامه‌های تلویزیون ناراضی بودند. دلایل این ناراضی نیز درست بود - ۲۷/۴٪ به دلیل بخش تعداد زیاد آگهی‌های تبلیغاتی، ۲۱/۸٪ به دلیل پخش همزمان برنامه‌های شبیه هم در شبکه‌های مختلف تلویزیونی، ۱۲/۴٪ به دلیل نامناسب بودن زمان پخش برنامه‌ها و ۱۱/۷٪ به دلیل نامصرفانه بودن گزارشات ابراز عدم رضایت کرده‌اند.

همچنین آشکار شد که ۲۶/۴٪ از جمعیت وقت و زمان کافی برای تفریح و سرگرمی ندارند.

سرگرمی‌هایی که بیش از همه مورد توجه بوده‌اند به ترتیب عبارت بودند از ۴۱/۲٪ تماشای

تلویزیون، ۲۹/۵ استراحت و انجام کارهای منزل، ۱۱/۴ ورزش و مسافرت. میزان رضایت از ساعات تفریح نیز، ۴۴/۹٪ است که به چند دلیل اصلی به نارضایی منجر شده، ۳۹/۲٪ به دلیل مشکلات اقتصادی، و ۲۹/۸٪ به دلیل کمبود وقت.

وزارت فرهنگ و ورزش برای پاسخگویی به نیاز مردم به مسائل فرهنگی، گسترش حقوق فرهنگی افراد جامعه، «برنامه تحقق رفاه فرهنگی» را در سال ۱۹۹۶ تصویب کرد. هدف این برنامه تأکید بر «کیفیت زندگی» از طریق حذف مشکلات منفی حاصل از توسعه اقتصادی پرشتاب جامعه است. برای تحقق این هدف پیشنهاد شد تسهیلات بیشتری برای فعالیتهای فرهنگی و ورزشی و نیز محیطهای بهتری برای گردشگری فراهم شود و بودجه دولت برای این منظور نیز باید با تأسیس و حمایت از صندوق رفاه فرهنگی افزایش یابد.

همکاریهای فرهنگی در سطح بین‌المللی

همکاریهای فرهنگی کره با کشورهای جهان عمدتاً بر تبلیغ و معرفی فرهنگ کره به کشورهای خارجی و مشارکت در رویدادهای فرهنگی بین‌المللی و برنامه‌های مختلف مبادلات فرهنگی با دیگر کشورها است. برای دستیابی به این مهم، برخی از وزارتخانه‌ها همچون وزارت امور خارجه، وزارت صنایع و انرژی، و نیز وزارت فرهنگ و گردشگری با یکدیگری همکاری نزدیکی دارند. سایر سازمانهای فرهنگی بین‌المللی و سازمانهای غیردولتی (NGO) و کرایهای ساکن خارج از کشور نیز نقش مهمی در تحقق این هدف دارند.

دولت کره در تلاش برای افزایش اعتبار و شهرت ملت در خارج از کشور، پروژه‌های مختلفی را در دست اقدام دارد، از جمله خلق ده تصویر ملی فرهنگی، تأسیس و حمایت از مراکز فرهنگی کره در خارج از کشور، تهیه نرم‌افزارهای بسیار پیشرفته چند رسانه‌ای برای معرفی دستاوردهای فرهنگی کره، چاپ و نشر کتابهای مصور از فرهنگ کره، و معرفی ادبیات کره.

کره موافقت‌نامه‌های فرهنگی متعددی با ۸۱ کشور جهان بسته است. سیاست مبادلات فرهنگی کره عمدتاً در این مناطق متمرکز است: ژاپن، آسیا و اقیانوسیه، آمریکا، اروپا و بلوک شمالی. کره میزبان و برگزارکننده رویداد فرهنگی ASEM در سال ۲۰۰۰ بود و نیز در جشنواره فرهنگی بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی مشارکت داشت. دولت کره همچنین فعالانه در زمینه همکاری نزدیک با ژاپن برای برپایی مناسبتهای فرهنگی و ورزشی جام جهانی ۲۰۰۲ فعالیت داشت و این بازی‌ها مشترکاً در هر دو کشور برگزار شد.

دولت کره در اوایل دهه ۱۹۸۰ به نقش و اهمیت گردشگری به عنوان رسانه‌ای عالی که می‌تواند امکانات، عرضه و معرفی دستاوردهای فرهنگی و هنری کره را برای مسافران خارجی فراهم سازد و از این رهگذر شأن و منزلت کشور را ارتقاء دهد به خوبی پی برد. مسئولیت کار گردشگری در سال ۱۹۹۴ به وزارت فرهنگ و ورزش محول شد و سیاست گردشگری به عنوان بخشی از سیاست جهانی شدن کشور، در سطح دولت مرکزی تثبیت شده است. کره به طور فعال در مبادلات فرهنگی بین‌المللی به طرق گوناگون مشارکت دارد. کره در زمینه هنرهای زیبا توانست در سال ۱۹۹۵ در دو سالانه ونیز که به پاس صدمین سال آن برپا شده بود، یک سالن اختصاصی دایر کند. در سال ۱۹۹۶ در چندین رویداد بین‌المللی فرهنگی از جمله دوسالانه

معماری ونیز، بیستمین فدراسیون بین‌المللی معماری در اسپانیا، بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی هنری شاتو، و نمایشگاه طراحی و صنایع دستی کره و ژاپن مشارکت داشته باشد. کره همچنین میزبان چهارمین مراسم بین‌المللی آیین جای خوری و هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی عکس بود.

در زمینه ادبیات نیز کره مجری سمینار ادبیات کره در شهر لیما پرو در سال ۱۹۹۶ بود. در زمینه تئاتر نیز انجمن نمایش کره در گردهمایی‌ها و جشنواره بین‌المللی تخصصی نمایش، هفدهمین نشست سالانه UNIMA در مجارستان و جشنواره بین‌المللی جان چون مشارکت فعال داشت. در سال ۱۹۹۷ کره میزبان جشنواره بین‌المللی تئاتر بود.

در موسیقی نیز کره میزبان سمپوزیوم بین‌المللی موسیقی کره، امریکا - ژاپن جشنواره سازهای برنجی جنوب شرق آسیا و نوزدهمین جشنواره موسیقی معاصر آسیا بود که در سال ۱۹۹۶ برگزار شد.

از جمله مبادلات فرهنگی کره با سایر کشورها می‌توان به برنامه‌های مختلفی همچون برپایی میزگرد ادبیات کره - چین، دعوت از گروه‌های هنرهای اجرایی چین، دعوت از صاحب‌نظران زبان کره‌ای و اعزام موسیقی زبان کره‌ای به خارج از کشور، آموزش موسیقی سنتی کره‌ای به کره‌ای‌های ساکن خارج از کشور اشاره کرد.

منبع: www.culturelink.or.kr/policy-korea.html

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی